




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دیپلماسی نامه

نامه‌های رئیس جمهوری اسلامی ایران به سران کشورها، مردم
امریکا، پاپ بندیکت شانزدهم (رهبر کاتولیکهای جهان)، مادر
امریکایی و باراک اوباما

با مقدمه پرفسور سید حمید مولانا

سرشناسه: احمدی نژاد، محمود، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور: دیپلماسی نامه(نامه‌های رئیس جمهور اسلامی ایران به سران کشورها، مردم آمریکا، پاپ بندیکت شانزدهم(رهبر کاتولیکهای جهان)، مادر آمریکایی و باراک اوباما)/ محمود احمدی نژاد.
مشخصات نشر: تهران: ریاست جمهوری، مرکز پژوهش و اسناد، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.

شابک: ۱۲۰۰۰ ریال: 4 - 1 - 90602 - 600 - 978

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: نامه‌های رئیس جمهور اسلامی ایران به سران کشورها، مردم آمریکا، پاپ بندیکت شانزدهم(رهبر کاتولیکهای جهان)، مادر آمریکایی و باراک اوباما
موضوع: احمدی نژاد، محمود، ۱۳۳۴ - -- نامه‌ها.

شناسه افزوده: ایران. ریاست جمهوری. مرکز پژوهش و اسناد.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۷ / ۵۹ / ۱۷۲۰ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۴۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۶۹۰۵۷



نشر جمهور ایران

عنوان اثر: دیپلماسی نامه

(نامه‌های رئیس جمهوری اسلامی ایران به سران کشورها، مردم آمریکا، پاپ بندیکت شانزدهم رهبر کاتولیکهای جهان) مادر آمریکایی و باراک اوباما)

ویراستار: سید جلال هاشمی

مدیر هنری: سید علی موسوی

ناشر: نشر جمهور ایران(مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری)

شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه نوبت چاپ: اول، دی ماه ۱۳۸۷

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

شابک: 4 - 1 - 90602 - 600 - 978

نشانی: تهران، خیابان دانشگاه جنوبی، پلاک ۱۸۷، تلفن: ۳۹ و ۱۹۲۳۳۷۶۶۴

E-mail:RDC@GOVIR.IR

فهرست مطالب

■ پیشگفتار/ ۶

■ مقدمه / ۹

■ نامهٔ رئیس جمهوری اسلامی ایران به مردم امریکا / ۱۵

■ نامهٔ رئیس جمهوری اسلامی ایران به جرج دبلیوبوش، رئیس جمهوری امریکا/ ۲۱

■ نامهٔ رئیس جمهوری اسلامی ایران به آنگلا مرکل ، صدراعظم آلمان / ۳۳

■ نامهٔ رئیس جمهوری اسلامی ایران به پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کاتولیکهای جهان/ ۴۱

■ نامهٔ مادر امریکایی و پاسخ رئیس جمهوری اسلامی ایران / ۴۶

■ نامهٔ رئیس جمهوری اسلامی ایران به باراک اوباما، رئیس جمهور منتخب امریکا/ ۵۰

پیشگفتار

در تاریخ تحولات جهانی، رسول اکرم صلوات الله علیه برای نخستین بار در تعامل با سران قدرتهای بزرگ با ارسال نامه‌های ربّانی خویش، «دیپلماسی نامه» را موجب شدند. اتخاذ و تدبیر این شیوه و روش از سوی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در راستای اقامه حق و امر به معروف و نهی از منکر، و در عین حال انذار و تبشیر امپراطوران و پادشاهان زمان به کار گرفته شد. مع الاسف از آنجا که پس از آن در طول تاریخ، رهبران کشورها و صاحبان قدرت در مناسبات و تعامل خود نه به دنبال اقامه حق بودند و نه برای خود رسالتی تعالی‌بخش قائل می‌شدند، بلکه صرفاً به دنبال توسعه طلبی، کسب قدرت و غنائم مادی بودند، این شیوه در حقوق بین‌الملل اسلامی به فراموشی سپرده شد و جای خود را به تهدید، ارعاب، فریب، اجرای اصل غافلگیری و یا انفعال و دیگر مؤلفه‌های علم جدید و تهی از معنا در سیاست داد.

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری مرجع بزرگ عالم تشیع و بازگشت به ارزشها، اصول اسلامی و سنتهای فراموش شده پیامبر اکرم (ص) موجب احیاء سنت دیپلماسی نامه‌نگاری با همان سبک و سیاق گردید، به طوری که حضرت امام خمینی (ره) با ارسال نامه تاریخی خود به گورباچف، آخرین رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی، آغازگر این سنت در دوران جدید شد. امام خمینی رضوان الله علیه در این نامه تاریخ ساز، به صورتی آشکار و صریح، ناکارآمدی و بی اعتباری نظامهای کمونیستی را که بر پایه مارکسیسم - لنینیسم شکل گرفته بود، اعلام و پایان کار آن را وعده داده و در مقابل، به سران این ابرقدرت هشدار داد که در دام لیبرالیسم غرب نیفتاده، بلکه به مسیر حق و حقیقت که همان یکتا پرستی و اسلام راستین است، رهنمون شوند.

این نوع از دیپلماسی نامه، نه برای خوش آمد بلوکی از قدرت و سیاست، و نه برای تحت تأثیر قرار دادن مخاطبین رسمی ایجاد و یا به رشته تحریر در می‌آید، بلکه مخاطبین

واقعی آنها، افکار عمومی جهان می‌باشند که اثرات خود را به تدریج اما عمیق و پایدار بر جای خواهد گذارد و در عین حال، موجب ثبت مواضع به حق در تاریخ می‌گردد. از این رو، روشن ضمیران و آیندگان به آن آگاه شده و به ایستادگی و ثبات قدم حق‌گویان و حق‌جویان در مسیر مستقیم پی برده و آن را چراغ راه خویش قرار خواهند داد.

نظام جمهوری اسلامی که بر اساس یک رسالت الهی - انقلابی و بر مبنای ارزشهای جهان‌شمول اسلامی شکل گرفته است، در موضع مباحثه و یا گفتگو و نیز در حوزه دیپلماسی عمومی و آشکار می‌تواند به نحو مطلوب بر افکار عمومی اثرگذار بوده و در تقابل با تبلیغات مسموم کننده نظام سلطه، مواضع بر حق خود را در عرصه‌ها و مجامع بین‌المللی منتشر سازد.

پیروزی انقلاب اسلامی در واقع غلبه منطق بر زور و قلدری، و غلبه حق بر قدرتهای سلطه‌گر بود. انجام مباحثات علنی، ارائه منطق و روش ایضاح حق در محافل علمی و دانشگاهی، انجام مصاحبه‌های مطبوعاتی با رسانه‌های جمعی، مناظره و مباحثات علنی و از جمله نامه‌نگاری با رجال سیاسی و حتی افراد عادی و متعاقباً انتشار گسترده آنها از سازوکارهایی هستند که هم تبلیغات سوء دشمنان را خنثی کرده و هم به تدریج مواضع به حق جمهوری اسلامی را برخوردار از قابلیت دسترسی گفتمانی خواهد نمود.

در دوره‌ای که سرعت و گسترش ارتباطات موجب نزدیکی جوامع گردیده و امکان دسترسی و آگاهی از افکار و اندیشه‌های افراد و جوامع مختلف فراهم می‌باشد، و در شرایطی که استکبار با حداکثر بهره‌برداری از وسائل ارتباط جمعی برای تخریب حقایق و جلوه دادن حق به صورت باطل و باطل به صورت حق سرمایه‌گذاری عظیمی کرده و تلاش می‌کند افکار عمومی را در راستای اهداف سلطه‌جویانه خود شکل داده و منحرف نماید، وظیفه رهبران و دولتمردان نظام مقدس جمهوری اسلامی است که با استفاده از همه امکانات به مقابله با این هجمه تبلیغاتی و فضا سازی برخیزند. تداوم و بسط دیپلماسی نامه در مقطع کنونی با هدف تحلیل وضعیت حاکم بر جامعه جهانی و ریشه‌یابی علل و عوامل نابسامانیها و مشکلات گریبان‌گیر بشر معاصر و در عین حال، یکی از راههای مؤثر برون‌رفت از شرایط نامطلوب موجود جهان و همچنین تبیین مواضع بر حق جمهوری اسلامی می‌باشد. از این رو، بیان دیدگاهها و نقطه نظرات نظام مقدس جمهوری اسلامی به صورتی شفاف و روشن، برخی جریان‌سازهای سیاسی و جنگ روانی - تبلیغاتی دشمنان را نیز خنثی نموده و اخلاقیات جمهوری اسلامی را در صحنه جهانی به منصه ظهور می‌رساند.

اصولاً در فضای حاکم بر روابط بین‌الملل که «قدرت» مبادرت به تبیین و تعریف تحولات می‌نماید، پیشگامی در طرح روشهای منطقی و طرح روشمند حقیقت از جمله نامه‌نگاری به سران دولتها و شخصیت‌های سیاسی و دینی شیوه موفق و مؤثری است که جوسازی، تحریف و قلب واقعیتها را خنثی و در عین حال، پیام حق را به گوش ملت‌ها و مردمی که مانند ما فکر می‌کنند و دارای فطرت الهی هستند، می‌رساند. جان مایه همه این نامه‌ها و پیام‌ها را می‌توان در احیاء و اعلائی کلمات و حیانی «انذار» و «تبشیر» خلاصه نمود؛ شیوه‌ای که انبیاء الهی برای آن مأمور شده بودند.

پرواضح است که ابتکار دکتر احمدی نژاد در احیای «دیپلماسی نامه» به عنوان بخشی از رویکرد دولت نهم در اتخاذ دکتین سیاست فعال و پویا، در جهت خنثی‌سازی ترندهای دشمنان و نظامهای استکباری، من جمله تحریف واقعیتها از یک سو، و رساندن صدای مستضعفان جهان به گوش همه جوامع و ملت‌ها از دیگر سو مورد استفاده قرار گرفت. نتیجه اینکه، هدف از تدبیر جمهوری اسلامی در اتخاذ «دیپلماسی نامه» صدور پیام از مواضع جبهه حق، بی لکنت زبان و مقابله با ادعاهای زورمدارانه جبهه باطل بوده است. امری که در حوزه سیاست، قدرت و رسانه موجبات تفکر و تحولی نوپدید شد. آثار و نتایجی که پرفسور حمید مولانا، مشاور رئیس جمهور و استاد و مدیر گروه ارتباطات بین‌الملل دانشگاه امریکن دی سی در مقدمه این اثر از آن به عنوان «دیپلماسی جامع» یاد کرده و ابعادی جدید از آن را با تکیه بر موازین اسلامی - ایرانی برای دانش پژوهان مورد تبیین قرارداد.

بدین وسیله، ضمن تقدیر از ایشان، متن نامه‌های جناب آقای دکتر احمدی نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران را با عنوان **دیپلماسی نامه** مشتمل بر نامه‌های رئیس جمهوری اسلامی ایران به سران برخی کشورها، مردم امریکا، پاپ بندیکت شانزدهم (رهبر کاتولیکهای جهان)، مادر امریکایی و باراک اوباما (رئیس جمهور منتخب امریکا) به آحاد ملت بزرگ ایران تقدیم می‌کنیم.

معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی

مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری

دهم آذر سال یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت هجری شمسی

مطابق با یکم ذی الحجه ۱۴۲۹ هجری قمری

دیپلماسی جامع

مقدمه

دیپلماسی جامع یک دیپلماسی همگرا و پایدار است و هدف آن خلاقیت فکری و عملی در تمام سطوح تعاملات بین‌المللی می‌باشد. استفاده از روش و متد مکتوب و تبادل بین سران دو یا چند کشور تنها یکی از طرق دیپلماسی جامع می‌باشد. تاریخ دیپلماسی نامه مانند تاریخ خود دیپلماسی، تاریخ طولانی، قدیمی و سنتی دارد. دیپلماسی جامع با «دیپلماسی خصوصی» و «دیپلماسی عمومی» فرق می‌کند و در حقیقت چیزی فراسو و بالاتر و وسیع‌تر از آنهاست. دیپلماسی جامع؛ دیپلماسی رسمی، خصوصی، پشت پرده، دسیسه آمیز و ساخت و پاخت بیسمارکی قرن نوزدهم را پشت سر می‌گذارد و از دیپلماسی به اصطلاح عمومی رسانه‌ای و پروپاگاندای قرن بیستم و عصر حاضر هم عبور می‌کند. دیپلماسی جامع فراسوی فعالیت‌های جغرافیای سیاسی (ژئوپلتیک)، اقتصاد سیاسی، نظامی، صنعتی و بازرگانی است. دیپلماسی جامع، دیپلماسی فکر و اندیشه است؛ چند بُعدی است؛ مادی و معنوی، حقیقت محور و آینده‌گرا، و در عین حال واقع‌بینانه است. در دیپلماسی جامع، فرهنگ، ابزار و آلات نیست بلکه همانند اعتقاد، ایمان، باورها و اراده، ثقل قدرت به حساب می‌آید.

فروپاشی هیمنه و ابهت تصویرگرایی و شالوده شکنی در انگاره‌سازیهایی مسلط، یکی از متدهای دیپلماسی جامع است. ارتباطات چهره به چهره، مستقیم و واقع‌گرایانه، روشهای دیگری در این گونه دیپلماسی به شمار می‌رود. هر قدم و تصمیم در دیپلماسی جامع، چارچوب و افق بزرگ تری را در نظر می‌گیرد.

دیپلماسی یک واژه لاتین و اروپایی است ولی جریان آن بسیار قدیمی و باستانی است و معنی و روش آن در طول تاریخ و زمان و مکان فرق کرده و اعتلا یا انحطاط یافته است. از دیدگاه غرب، فن و هنر دیپلماسی برای تحقق منافع ملی یک کشور از طریق مذاکرات،

معاملات و تفاهم تعریف شده است، در حالی که دیپلماسی در چارچوب اصول اسلامی، تحقق اهداف امت اسلامی در مسیر تکامل جامعه بشریت است. در توجیه اصل دیپلماسی از منظر غرب، ارزشها و روشهای سیاسی از طریق تساهل و تسامح روح جهان شمولی پیدا می‌کند و ارزشهای دیگران و روشهای آنان در حاشیه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، با تسلط و تغلب دیپلماسی دولتهای ملی غرب و اصول مناسبات مدرن روابط بین‌المللی، هرگونه مفاهیم دیگری از دیپلماسی که برای امت اسلامی و به طور کلی بشریت، بشارتی نوپدید داشته باشد، دور از ذهن می‌نماید.

این جا است که با عنایت به آیه مبارکه ۲۸ سوره سبا «ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً و لکن اکثر الناس لا یعلمون». (و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را به رحمت خدا بشارت دهی و از عذابش ترسانی، نفرستادیم ولیکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند). دیپلماسی اسلامی باید ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و اجتماعی جهان امروز را در تراز حقیقت به گوش ساکنین این دنیا برساند. دیپلماسی غربی قدرت خود را در درون اخلاق درگیر نمی‌کند، زیرا منافع ملی به تنهایی هدف اصلی آن می‌باشد؛ در حالی که یکی از غایات بسیار مهم دیپلماسی اسلامی علاوه بر باز دارندگی دشمنان و جلوگیری از تجاوز آنان بر منابع طبیعی، مسئول تأمین کرامت انسانی و عزت امت اسلامی نیز می‌باشد.

یکی از ابعاد بسیار مهم اسلام، برقراری حکومت اسلامی در مدینه و برقراری روابط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و دینی با دیگر سرزمینها و دولتهای وقت بود. میراث بزرگی که از دیپلماسی پیامبر (ص) اسلام به ما رسیده است، نامه‌هایی است که وی برای سران دول زمانه خود فرستادند. نامه پیامبر (ص) به هراکلیوس قیصر روم؛ خسرو پرویز امپراطور ایران؛ نجاشی، بزرگ حبشه؛ مقوس فرماندار مصر؛ حیف و عباده پسران الجلندی، فرمانروایان عمان و به حارث پسر ابی شمر از پادشاهان تابع امپراطوری روم شرقی از جمله آنها بود. پیامبر اسلام دیپلماسی و سیاست خارجی حکومت اسلامی را در راستای ابلاغ رسالت طراحی کرد و هدف آن به دست آوردن اصول متعالی و ارزشهای الهی برای سعادت انسان است و نه برای به دست آوردن قدرت، و این یک نوآوری نسبت به جهان بشریت بود. مخاطب این دیپلماسی، جوامع بشری هستند؛ یعنی تمام انسانهایی که آن روز بودند و تمام آن انسانهایی که بعدها خواهند آمد.

امروز دنیای اسلام و امت اسلامی باید این اصل دیپلماسی پیامبر(ص) را مطالعه و مرور کرده و آنها را به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری جاری خود تبدیل نماید. اگر سیاست خارجی عبارت است از مجموعه اهداف و روشهایی است که یک دولت در مقابل دول خارجی در جهت دفاع از منابع ملی خود دنبال می‌کند، پس معنای تلاش برای پیشبرد بندگی خدا و مبارزه با طاغوت در سطح جهانی چگونه باید تعقیب گردد؟

ما می‌دانیم که سیاست خارجی و دیپلماسی پیامبر اعظم اسلام(ص) بر مبنا و شالوده عدالت استوار بود. خدا محوری بُعد دیگر این سیاست را شامل می‌شد. قانون محوری زاویه مهم سیاست خارجی اسلام بود و مرز بندیهای اعتقادی، اصالت عقیده و ایمان، اهمیت آزادی در انجام وظایف اجتماعی و دینی، و اولویت صلح و تعامل بر جنگ و زد و خورد، محورهای اصلی دیپلماسی اسلامی را تشکیل می‌داد. تعجبی نیست که اولین قانون تدوین شده بین‌المللی برای صلح و جنگ از سوی اسلام و پیامبر عظیم الشان آن در تاریخ ثبت گردید. تقریباً هزار سال طول کشید تا اروپا و کشورهای غربی توسط گراتیوس هلندی به تدوین قانون بین‌المللی غرب دست زدند.

ویژگی دیگر مهم دیپلماسی پیامبر اکرم(ص) که تأثیر عمیقی بر فرهنگ اسلامی و فرهنگ کشورهای دیگر گذاشت، محوریت حق و حق‌گرا بودن اسلام و حکومت اسلامی بود. پیامبر(ص) در دیپلماسی و تبلیغ خود امکان مشارکت سایر اقوام و ملل را در عرصه بین‌المللی فراهم نمود و بسیاری از ایرانیان و رومیان و ملل دیگر که با تکیه به فرهنگ و تمدن ریشه دار خود با یکدیگر در زد و خورد بودند را به تعامل با اسلام فراخواندند. پیامبر اعظم(ص) با هجرت خود به مدینه و تأسیس اولین نظام و حکومت اسلامی و با پیمانی که با ساکنان، رهبران و گروههای مختلف دینی، نژادی و قبیله‌ای تنظیم و امضاء کرد، اولین قانون اساسی مدون و نوشته شده دنیا را به وجود آورد. پیمان‌نامه پیامبر اسلام که متشکل از ۵۲ ماده و بند است و مهاجر، انصار و دیگران، که گاهی از آن به نام «منشور مدینه» نیز یاد کرده‌اند، در حقیقت مرزهای حقوقی جامعه سیاسی مدینه را تعیین و روابط بین حکومت، فرد و جامعه را در اولین نظام اسلامی تبیین کرده است.

این پیمان مدینه و قانون اساسی اولیه اسلام بود که شش سال بعد یعنی در بهار سال ششم هجری مطابق با سال ۶۲۸ میلادی، زمینه را برای عقد قرارداد معروف «حدیبه» برای قریش و اهل مکه فراهم نمود و عاقبت به پیروزی نظام اسلامی انجامید و شهر مکه

به دست مسلمانان فتح گردید. مذاکرات قرارداد «حدیبیه» یکی از پر آوازه‌ترین مؤلفه‌های دیپلماسی اسلامی است.

امروز سؤال بزرگ برای جوامع اسلامی این است که آیا دیپلماسی بین‌المللی رایج کنونی، یک دیپلماسی فعال اخلاقی و معنوی است یا تنها مرحله دیگری از تحولات است که غرب در مرکز و جهان اسلام در حاشیه قرار دارد؟ آیا دیپلماسی به اصطلاح عمومی امروز، کاربرد اجتماعی اطلاعات و اهداف اجتماعی اصیل جامعه اسلامی را آسان می‌سازد یا از آن ممانعت می‌کند؟ پرواضح است که دیپلماسی اسلامی؛ دیپلماسی اخلاقی، جامع و اصولی است و نه اطلاعاتی. این اسلام و نظریه توحید است که معیارهای دیپلماسی اسلامی را تعیین می‌کند و نه برعکس. علاوه بر این، یکی از خصائص دیپلماسی جامع، بهره‌گیری از فنون مختلف بیان و ارتباطات برای راهبری آن می‌باشد. فصاحت و بلاغت یک دیپلمات، مخاطب قراردادن عقل و عاطفه، ایجاز و روشن‌نگری در ارائه سخن، بهره‌گیری از قالبهای مأنوس و محبوب مخاطبین، انگیزه بخشی برای کسب توجه، اعتبار بخشی به پیام و مبلغ ارتباط، اقناع مردم به وسیله حقایق مورد پذیرش عقل، نگاه به نیازهای دنیوی و معنوی مردم و...، همه اینها از روشهای مؤثر دیپلماسی جامع می‌باشد. فعالیتهای چند بُعدی حضرت امام خمینی (ره) در نجف اشرف قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ارتباطات و رهنمودهای ایشان هنگام اقامت در پاریس، و بالاتر از همه، حضور ایشان در صحنه بین‌المللی در پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران و نامه آن بزرگوار به گورباچف رئیس اتحاد جماهیر شوروی سابق، نمونه‌هایی از دیپلماسی اسلامی در سطح جهانی و بین‌المللی می‌باشد.

در قسم اخیر آن، نامه تبریک رئیس جمهوری ایران به رئیس جمهوری منتخب ایالات متحده آمریکا از دید ناظران بین‌المللی یک اقدام بی‌سابقه و هوشمندانه از طرف دکتر احمدی‌نژاد بود که فضا را به نفع ایران تغییر داده و ابتکار عمل را از جنبه تبلیغاتی از دشمنان ایران گرفت. نامه دکتر احمدی‌نژاد به اوباما، همچنین نشانگر شکل‌گیری محیط جدیدی در دنیای امروزی است که سران دول در هر مرتبه‌ای، مسئول قول و قرارهایی هستند که از آن سخن به میان آورده‌اند. نامه رئیس‌جمهور ایران، همانند سخنان او در دانشگاه کلمبیا این مفهوم را به مردم آمریکا و افکار عمومی دنیا منتقل می‌کرد که ایران اهل گفت و گو و منطق است نه زورگویی و دخالت در امور دیگران.

جمله مشهور اوباما بلافاصله پس از پیروزی انتخاباتی‌اش فرصت مناسبی در سطح

بین‌المللی ایجاد کرده بود که لازم بود از آن استفاده شود؛ آنجا که گفت: «پیروزی (انتخاباتی) به تهای تغییر نیست که ما به دنبال هستیم. این تنها فرصتی است برای ما تا تغییر را ایجاد کنیم و تغییر اتفاق نخواهد افتاد اگر ما به روشهای گذشته رجوع کنیم.» چنین اظهاراتی، بار سنگینی را به دوش رئیس‌جمهور منتخب امریکا گذاشت و احمدی‌نژاد از آن استفاده نمود و در نامه خود به او متذکر شد که: «توقع عمومی این است که پاسخگویی سریع و روشنی به مطالبه تحول صحیح و اساسی در سیاستهای داخلی و خارجی دولت امریکا که خواست همه ملت‌های جهان و ملت امریکاست، سر لوجه و محور همه برنامه‌ها و اقدامات دولت آینده شما قرار گیرد.» به عبارت دیگر، «ملت‌های جهان انتظار دارند که سیاست‌های مبتنی بر جنگ طلبی، اشغالگری، زورگویی، فریبکاری، تحقیر ملت‌ها و تحمیل روابط تبعیض آلود و غیر عادلانه بر آنان و بر مناسبات جهانی که موجب انزجار همه ملت‌ها و اکثریت دولتها از حاکمان امریکا و مشوه شدن حیثیت مردم آن کشور شده است، به رفتاری مبتنی بر عدالت و اقدام به حقوق انسان‌ها و ملت‌ها، دوستی و عدم دخالت در امور دیگران تبدیل گردد و دایره دخالت‌های دولت امریکا به مرزهای جغرافیایی آن کشور محدود شود.»

از این رو، باید اذعان کرد که استفاده از رسانه نامه نگاری به جای رسانه‌های معمولی چون مطبوعات و رادیو و تلویزیون، یکی از بهترین طریق، مؤثرترین روش و مطمئن‌ترین وسیله در استیضاح سیاست‌های جهانی امریکا بود. نامه احمدی‌نژاد به اوپاما نشان می‌داد که امریکا دورنمایی پیچیده و دشوار در پیش دارد و ایالات متحده از طریق سیاست‌های سلطه‌گرانه خود در دنیا، منزوی و بیگانه شده است و این نگاه خیر و شر و یا سفید و سیاه امریکا به دنیا باید تغییر کند. علاوه بر این، رئیس‌جمهور جدید امریکا تا دیر نشده باید چاره‌ای به تحولات اساسی، عادلانه و واقعی در سیاست‌ها و رفتارهای امریکا در منطقه خاورمیانه بیفکند، تا رفتار ناعادلانه شصت ساله به سوی استیفای حقوق حقه ملت‌ها در مورد فلسطین، عراق و غیره تغییر جهت دهد؛ ضمن اینکه فاش می‌گوییم که نباید انتظار اصلاحات را در سیاست خارجی امریکا داشت. با این وصف، دکتر احمدی‌نژاد با نوشتن این نامه قبل از اینکه دشمنان ایران از انتخابات امریکا سوء استفاده کرده و محیط بین‌الملل را راجع به ایران مخدوش کنند، پیشقدمی نموده و معنی این انتخاب مردم امریکا را آن طور که باید، به افکار عمومی امریکا و شخص اوپاما رسانید.

همچنین با این نامه، دیپلماسی احمدی نژاد، توپ سیاست را به امریکای اوپاما برگردانده است. در زبان دیپلماسی، این نامه نسبتاً کوتاه و توصیه آمیز و مصلحت گو بدون اینکه عیناً به موضوع مناسبات دو کشور پرداخته باشد، خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران را نیز اعلام کرده است. عدم امکان آشتی در صورت ادامه سیاست سلطه جویانه امریکا، حفظ جایگاه عزت مدارانه جمهوری اسلامی ایران، عدم امکان مصالحه و مذاکره در خصوص اصول و ارزشها، و عدم عقب نشینی از مواضع برحق جمهوری اسلامی ایران از مهمترین مؤلفه‌های اشاره شده رئیس جمهوری اسلامی ایران در این باره می‌باشد.

نامه‌های دکتر احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران به سران کشورها، پاپ بندیکت شانزدهم (رهبر کاتولیکهای جهان)، باراک اوپاما و شهروندان کشورهای مختلف در راستا و احیاء این سنت و روش حقیقت‌مند در دیپلماسی است. هر روش و متد ارتباطات، از جمله نامه‌نگاری، استناد و تأثیر ویژه خود را دارا می‌باشد. نامه‌های رئیس جمهور ایران در سطح بین‌المللی منابع مفید و مهمی در مطالعه و بررسی کیفیت دیپلماسی در تاریخ معاصر می‌باشد.

سید حمید مولانا

تهران، هشتم آذر سال یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت هجری شمسی
مطابق با بیست و نهم ذی‌القعدة ۱۴۲۹ هجری قمری

نامهٔ رئیس جمهوری اسلامی ایران به مردم امریکا

بسم الله الرحمن الرحيم
 اللهم عجل لوليک الفرج و العافیة و النصر و اجعلنا من خیر انصاره و اعوانه و
 المستشهدین بین یدیه.

مردم شریف امریکا؛

اگر فعالیتهای دولت امریکا در این منطقه از جهان و تأثیرات منفی آن در زندگی ملت‌های ما و نابسامانیها و جنگ‌هایی که دولت امریکا مسبب آن است و آن نتایج تأسف بار مداخلهٔ امریکا در سایر کشورهای جهان نبود.

همچنین اگر یکتاپرستی، حق‌جویی و عدالت‌خواهی مردم امریکا از یک طرف و پنهان‌کاری و جلوگیری دولت امریکا از نشر حقایق و واقعیتهای موجود وجود نداشت؛ و اگر همهٔ ما در قبال آزادی، حرمت و کرامت انسانی مسئولیت مشترک نداشتیم، ضرورتی برای گفتگو با شما وجود نمی‌داشت.

باید اذعان کرد که هر چند تقدیر الهی دو کشور ایران و امریکا را در فاصلهٔ دوری از یکدیگر قرار داده است، اما ارزشها و روح کلی انسانی که از برتری کرامت و فضیلت همهٔ انسانها سخن می‌گوید، دو ملت بزرگ را به یکدیگر نزدیک کرده است.

هر دو ملت خداپرست، حقیقت‌جو و عدالت‌طلب و خواهان شرافت و عزت و کمال هستند. همه از ترویج ارزشها و خصلتهای انسانی نظیر محبت، وحدت و همدلی، احترام به حقوق انسانها و پشتیبانی از حق و انصاف و دفاع از انسانهای مظلوم در برابر زورگویان خرسند می‌شوند و لذت می‌برند.

همه در خوبیها، در خدمت به یکدیگر به خصوص در خدمت به محرومان و مظلومان میل مشترک داریم و از بی‌عدالتیها، پایمال شدن حقوق انسانها و تحقیرها

ناراحت می‌شویم .

همه از گمراهی و فریب و نیرنگ بیزاریم و دوستدار هدایت، نور، یکرنگی و اخلاص هستیم. فطرت انسانی دو ملت بزرگ ایران و امریکا بر حقیقت آنچه گفتیم، گواهی می‌دهد.

مردم شریف امریکا؛

ملت ما همواره دست دوستی و مودت را به سوی همه ملت‌های جهان دراز کرده است. صدها هزار نفر از هموطنان ایرانی من با صلح و صفا در کنار شما زندگی می‌کنند و عموماً منشأ خدمات شایسته‌ای در جامعه شما هستند . مردم ما سالها با شما در ارتباط بوده‌اند و علی‌رغم سخت‌گیری بلا وجه مقامات امریکایی، رفت و آمدها و دوستیها ادامه یافته است .

همچنان‌که گفتیم، ما دغدغه‌های مشترک داریم و از ناهنجاریها و نابسامانیها در جهان امروز رنج می‌بریم. ما و شما از درد و غم روز افزون مردم مظلوم فلسطین ناراحتیم. تجاوزات مستمر حکومت صهیونیستی زندگی را بر صاحبان اصلی سرزمین فلسطین هر روز سخت‌تر می‌کند. حکومت صهیونیستی در جلوی دوربینها و چشمان ناظران جهانی مردم بی‌دفاع را بمباران و خانه‌ها را با بلدوزر تخریب می‌کند، دانش آموزان را در خیابان و کوچه به رگبار می‌بندد و خانواده‌ها را چشم به راه و فرزندانشان را عزادار می‌کند. روزی نیست که آنان به جنایتی تازه دست نزنند.

مادران فلسطینی نظیر مادران ایرانی و امریکایی فرزندان خود را دوست دارند و از زخمی شدن و زندانی شدن و کشته شدن آنان به شدت اندوهناک می‌شوند . کدام مادر است که در سوگ فرزند خود ناراحت نشود ؟

شصت سال است رژیم صهیونیستی میلیونها نفر از ساکنان سرزمین فلسطین را آواره کرده است . بسیاری از آوارگان در غربت و در اردوگاهها از دنیا رفته‌اند و فرزندان آنان جوانی را پشت سر گذاشته‌اند و در آرزوی بازگشت به وطن به پیری می‌رسند .

شما خود بهتر می‌دانید که دولت امریکا با حمایت بی دریغ و دائمی خود از رژیم صهیونیستی، او را در انجام این جنایات تشویق کرده است . دولت امریکا اجازه نداده است شورای امنیت سازمان ملل حکومت غاصب صهیونیستی را محکوم نماید . چه کسی می‌تواند این عهد شکنی و جفای دولت امریکا را نسبت به بشریت انکار کند ؟

دولتها برای خدمت به ملت‌های خود سرکار می‌آیند. هیچ ملتی به دولت خود اجازه نمی‌دهد از ستمگران حمایت کند، اما متأسفانه دولت امریکا به افکار عمومی مردم خود نیز توجه نداشته و پرچمدار حمایت از متجاوزان به حقوق مردم فلسطین بوده است. عراق را ببینید. از زمان حضور دولت امریکا در عراق تا کنون بیش از یکصد و پنجاه هزار نفر از مردم عراق کشته و صدها هزار نفر آواره گشته‌اند و تروریسم در عراق به شدت توسعه یافته است. با حضور دولت امریکا در عراق هیچ قدمی در ترمیم ویرانیه‌ها، ساخت زیر بناها و رفع فقر برداشته نشده است. آنان وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق را بهانه کردند اما بعداً معلوم شد این ادعا دروغ و فریب بوده است. گرچه صدام ساقط شد و مردم از سقوط صدام خوشحال شدند اما درد و رنج مردم عراق گسترده‌تر ادامه یافت.

در عراق حدود یکصد و پنجاه هزار نفر از سربازان امریکایی دور از خانواده خود و تحت فرماندهی دولت امریکا عمل می‌کنند. عده قابل توجهی از آنان کشته و زخمی شده‌اند و حضور آنان در عراق ضربه‌ای به حیثیت دولت و ملت امریکا وارد آورده است. بارها مادران و خانواده‌های امریکایی ناراضیتی خود را از حضور فرزندان‌شان در عراق در سرزمینی که هزاران کیلومتر با امریکا فاصله دارد، اعلام کرده‌اند و سربازان امریکایی می‌پرسند ما را برای چه به اینجا آورده‌اید؟

بعید می‌دانم شما راضی باشید سالانه دهها میلیارد دلار از خزانه شما صرف این لشکرکشی شود.

ملت شریف امریکا؛

شما خود شنیده‌اید که دولت امریکا مخالفان خود را از نقاط مختلف جهان شکار و بدون محاکمه و بدون نظارت بین المللی در زندانهای مخوفی که در اقصی نقاط جهان ایجاد کرده است، نگهداری می‌کند. خدا می‌داند این زندانیان چه کسانی هستند و به چه سرنوشت تلخی گرفتار شده‌اند. داستان غم‌انگیز زندان ابوغریب در عراق و گوانتانامو را شنیده‌اید. البته دولت امریکا همه این اقدامات را با ادعای مبارزه با تروریسم توجیه می‌کند، ولی همه می‌دانند این گونه اقدامات احساسات مردم جهان را جریحه دار می‌کند، تروریسم را توسعه می‌دهد و حیثیت دولت امریکا را در نزد ملت‌ها مخدوش می‌کند.

اقدامات خلاف قانون و اخلاق دولت امریکا محدود به خارج از مرزها نمی‌شود. شما خود شاهد هستید، هر روز به بهانه مبارزه با تروریسم، آزادیهای مدنی در امریکا محدود می‌شود. حتی حریم شخصی افراد معنای خود را از دست می‌دهد. قوانین قضایی و حقوق اساسی زیر پا گذاشته می‌شود. تلفنها شنود و هر فرد مشکوک دستگیر و یا حتی در خیابانها مورد ضرب و شتم واقع و یا با گلوله کشته می‌شود. من مطمئن هستم ملت امریکا این نوع برخوردها را نمی‌پسندد و از این نوع رفتارها بیزار و خشمگین است. دولت امریکا به هیچ سازمان و شورایی پاسخگو نیست. دولت امریکا اعتبار سازمانهای بین‌المللی به خصوص سازمان ملل و شورای امنیت را نیز مخدوش کرده است. این جانب قصد ندارم در این نامه به همه نابسامانیها و مشکلات اشاره کنم. منشاء اقتدار و آبروی یک دولت، تانکها و هواپیماها، موشکها و بمبهای اتمی نیست؛ بلکه منطق استوار، حق‌طلبی و خیرخواهی برای همه بشریت است. این ظن وجود دارد که دولتمردان و صاحب منصبان امریکایی با ادامه اعمال زور و پنهان کاری و دور نگه داشتن مردم از اقدامات و برنامه‌های خود، امریکا را در وضعیت نامناسب‌تری قرار دهند.

بدون تردید ملت امریکا از این‌گونه رفتارها ناراضی است و با نحوه حضور در انتخابات اخیر، این ناراضی را نشان داد. امیدوارم به دنبال انتخابات اخیر، دولت آقای بوش پیام ملت امریکا را دریافت کرده باشد.

سؤال این جانب این است که :

آیا واقعاً نمی‌توان با شیوه بهتری حکومت کرد و با التزام به عدالت و به رسمیت شناختن حقوق ملتها، ثروت و قدرت را به جای تجاوز و جنگ‌افروزی در خدمت صلح و ثبات و رفاه و آسایش مردم قرار داد؟

همه ما تروریسم را محکوم می‌کنیم چرا که قربانیان اصلی تروریسم مردم بی‌گناه هستند. ولی آیا با جنگ و ویرانی و کشتن صدها هزار انسان بی‌گناه می‌توان تروریسم را مهار کرد؟ اگر چنین امری میسر بود، پس چرا مشکل حل نشده است؟ تجربه حمله به عراق جلوی روی ماست.

حمایت از صهیونیستها چه ارمغانی برای ملت امریکا داشته است؟ تأسف‌بار است که در نزد دولت امریکا، منافع صهیونیستهای اشغالگر بر منافع ملت

امریکا و سایر ملتهای جهان مقدم باشد. صهیونیستها چه خدمتی به ملت امریکا کرده‌اند که دولت امریکا خود را به صهیونیستهای بدنام و متجاوز متعهد می‌داند؟ و آیا تردیدی وجود دارد که شبکه صهیونیستی خود را بر بخش وسیعی از سیستمهای بانکی و مالی و اقتصادی و فرهنگی و رسانه‌ای تحمیل کرده است؟

توصیه این جانب این است که به احترام بشریت و به احترام مردم امریکا، حقوق فلسطینیان برای زندگی در سرزمین و خانه خود به رسمیت شناخته شود تا میلیونها آواره فلسطینی به خانه و کاشانه خود برگردند و در یک همه‌پرسی، تکلیف تمام سرزمین فلسطین و حکومت آینده آن معلوم گردد. این به نفع همه است.

اینکه که عراق دارای قانون اساسی، دولت و مجلس مستقل است، آیا بازگشت افسران و سربازان امریکایی به کشورشان و اختصاص بودجه‌های سرسام‌آور نظامی، در جهت رفاه و آسایش مردم امریکا سودمند تر نیست؟

شما بهتر می‌دانید که هنوز عده‌ای از آسیب دیدگان طوفان کاترینا در رنج هستند و فقرا و بی‌خانمانهای زیادی وجود دارند.

و سخنی نیز با برندگان انتخابات در امریکا دارم:

دولتهای زیادی تا کنون در امریکا حکومت کرده‌اند، دولتهایی که خوشنام بوده‌اند و دولتهایی که مردم امریکا و سایر ملتها از آنان به نیکی یاد نمی‌کنند. شما نیز که در بخش مهمی از حکومت امریکا حضور یافته‌اید، در معرض قضاوت مردم و تاریخ خواهید بود. اگر حکومت امریکا با چالشهای امروز در داخل و خارج امریکا با نگاه مبتنی بر حق و عدالت مواجه شود، خواهد توانست تا حدودی گذشته‌های نابه‌سامان را جبران نماید و انزجار جهانی را کاهش دهد. و اگر مسیر همان باشد که تاکنون طی شده است، دور از انتظار نیست که ملت امریکا گروه جدید را نیز نفی کند و به سرنوشت قبلیها دچار شوند؛ اگر چه انتخابات امریکا در واقع شکست سیاستهای دولت امریکا است و نه پیروزی شما. گرچه این موضوعات در نامه به آقای بوش مفصلاً تشریح شده بود.

و خلاصه کلام اینک:

می‌توان با ادبیات دیگری متفاوت از ادبیات زور و بی‌عدالتی حکومت راند. می‌توان

خالصانه در خدمت ارزشهای مشترک انسانی، صداقت و محبت بود و بدون ایجاد تنش، تهدید، تحمیل و جنگ؛ رفاه و آسایش را به ارمغان آورد.

می‌توان با توحید و خداپرستی و با اخلاق و معنویت و با درسهایی که پیامبران الهی داده‌اند، جهان را به سمت کمال مطلوب خویش پیش برد. در آن صورت مردم امریکا که مردمی خداپرست و پیرو ادیان الهی هستند، بر همه مشکلات غلبه خواهند کرد.

آنچه گفتم بخشی از دغدغه‌های این جانب بود. مطمئنم شما مردم امریکا نقش مهمی در استواری عدالت و معنویت در جهان ایفا خواهید کرد. وعده‌های خداوند و پیامبران الهی محقق خواهد شد و عدل و راستی در جهان مستقر خواهد گردید و همه ملت‌ها در فضایی آکنده از عشق و برادری به زندگی حقیقی دست خواهند یافت.

هیئت حاکمه و صاحب منصبان و قدرتمندان امریکا، راههای بی‌بازگشت را انتخاب نکنند. طبق تعلیمات انبیاء الهی، سرانجام ظلم، سقوط و نابودی است. اینک راه بازگشت به ایمان و معنویت هموار است.

به کلام آسمانی قرآن کریم توجه کنیم که می‌فرماید: «و اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و به کار شایسته پردازد، امید است که در گروه نجات‌یافتگان قرار گیرد. و پروردگار تو هر چه بخواهد می‌آفریند و برمی‌گزیند و آنان اختیاری ندارند. منزله است خدا و از آنچه با او شریک قرار می‌دهند.»

سربلندی همه ملت‌های جهان، ملت ایران و امریکا را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهوری اسلامی ایران

تهران، ششم آذرماه سال یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج هجری شمسی



نامه رئیس جمهوری اسلامی ایران به جرج دبلیو بوش، رئیس جمهوری امریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای جرج . دبلیو . بوش، رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا مدتی در این اندیشه بودم چگونه می توان تناقضات غیر قابل انکار موجود در صحنه بین المللی را که مدام مورد بحث محافل مردمی به خصوص مجامع سیاسی و دانشجویی است، توجیه کرد . سؤالات زیادی در این مورد بی جواب مانده است، لذا تصمیم گرفتم شمه ای از این تناقضات و سؤالات را مطرح کنم ، شاید فرصتی برای تصحیح آنها فراهم آید .

آیا می شود پیرو حضرت مسیح (ع) پیامبر بزرگ الهی بود؛
خود را متعهد به حقوق بشر دانست ؛
لیبرالیسم را الگوی تمدنی معرفی کرد؛
با گسترش سلاحهای هسته ای و کشتار جمعی اعلام مخالفت نمود؛
مبارزه با تروریسم را شعار خود قرار داد؛
و در نهایت، برای تشکیل جامعه واحد جهانی تلاش کرد؛ جامعه ای که قرار است
حضرت مسیح (ع) و صالحان زمین در آن حکومت کنند .
اما در عین حال ؛

کشورها مورد تعرض قرار گیرند ، جان و حیثیت و هستی افراد از ارزش ساقط شود و
مثلاً فقط با احتمال حضور چند مجرم در یک روستا یا شهر یا کاروان ، تمام آن روستا
یا شهر و یا کاروان به آتش کشیده شود؟
یا با احتمال وجود سلاحهای کشتار جمعی در یک کشور ، آن کشور تصرف شود،
حدود صد هزار نفر از جمعیت آن کشته شوند ، منابع آب و کشاورزی و صنعت آن منهدم
گردد و نزدیک به صد و هشتاد هزار نفر نیروی نظامی در آن مستقر گردد؟

حریم مقدس خانه های شهروندان شکسته گردد و شاید بیش از پنجاه سال یک کشور به عقب برگردانده شود؛ با چه هزینه ای؟ با صرف صدها میلیارد دلار از خزانه یک کشور و بعضی کشورهای دیگر و با اعزام دهها هزار از جوانان به عنوان سربازان نیروی مهاجم، قرار دادن آنان در معرض کشتار و دور کردن آنان از خانواده های خود، آلوده کردن دست آنان به خون دیگران و اعمال فشارهای روحی و روانی به آنان به نحوی که هر روز تعدادی از آنان خودکشی کنند و وقتی به کشور خود برمی گردند، رنجور و افسرده باشند و با امراض گوناگون سر و کار داشته باشند. تعدادی نیز کشته شده و جنازه های آنان تحویل خانواده های آنان گردد؟

به بهانه وجود سلاحهای کشتار جمعی این تراژدی بزرگ برای مردم کشور اشغال شده و مردم کشور اشغال کننده اتفاق می افتد، بعد معلوم می شود سلاح کشتار جمعی وجود نداشته است.

البته صدام یک دیکتاتور جنایتکار بود. اما قصد از جنگ نه سرنگونی او بلکه حذف سلاحهای کشتار جمعی اعلام شده بود. صدام در این مسیر سرنگون شد و مردم منطقه از این سرنگونی ابراز رضایت کردند. صدام در تمام طول جنگ تحمیلی علیه ایران مورد حمایت غرب بود.

آقای رئیس جمهور؛

شاید بدانید من یک معلم هستم. دانشجویان می پرسند این اقدامات را چگونه می توان با ارزشهای صدر این کلام من جمله تعهد به آیین حضرت مسیح (ع) پیامبر صلح و رحمت تطبیق داد؟

متهمانی در گوانتانامو در بند هستند که محاکمه نمی شوند، به وکیل دسترسی ندارند، خانواده های آنان نمی توانند آنان را ببینند و در خارج از کشور خود نگهداری می شوند و هیچ نظارت بین المللی بر آنان نیست. معلوم نیست اینها زندانی هستند، اسیر جنگی اند، متهم اند و یا محکوم؟

بازرسان اتحادیه اروپایی تأیید کرده اند که زندانهای مخفی در اروپا هم وجود دارد. من نتوانستم ربودن افراد و نگه داشتن آنان را در زندانهای مخفی با هیچ یک از نظامهای قضایی دنیا تطبیق دهم و نفهمیدم که این اقدامات با کدام یک از ارزشهای صدر این مقال

تطابق دارد؛ با تعلیمات حضرت مسیح (ع) یا حقوق بشر یا ارزشهای لیبرالیسم. جوانان، دانشجویان و مردم در مورد پدیدهٔ اسرائیل سؤالات زیادی دارند. حتماً بعضی از آنها را شنیده‌اید. در طول تاریخ کشورهای زیادی اشغال شده اند اما از پدیده‌های نوظهور عصر ما، تأسیس یک کشور جدید با مردمانی جدید است. دانشجویان می‌گویند شصت سال پیش چنین کشوری وجود نداشت. اسناد و کرهٔ جغرافیایی قدیمی را نشان می‌دهند و می‌گویند هر چه جستجو می‌کنیم کشوری به نام اسرائیل نمی‌بینیم. مجبورم آنان را راهنمایی کنم تا تاریخ جنگ جهانی اول و دوم را مطالعه کنند.

یکبار یکی از دانشجویان گفت، در طول جنگ جهانی دوم که دهها میلیون نفر در آن کشته شدند، اخبار جنگ به سرعت از جانب متخاصمین منتشر می‌شد و هر کدام پیروزیهای خود و شکستهای طرف مقابل را اعلام می‌کردند. بعد از جنگ، ادعا شد که شش میلیون یهودی کشته شده‌اند؛ شش میلیون نفر که با حداقل دو میلیون خانواده نسبت داشته‌اند. فرض کنیم این خبر صحیح باشد، آیا نتیجهٔ منطقی آن می‌تواند تأسیس کشور اسرائیل در منطقهٔ خاورمیانه و یا حمایت از آن باشد؟ این پدیده چگونه تحلیل و تفسیر می‌شود؟

آقای رئیس جمهور؛

حتماً می‌دانید اسرائیل با چه هزینه‌ها و پیامدهایی تأسیس شد:

- با کشته شدن هزاران نفر؛
- با آواره شدن چند میلیون نفر از بومیان منطقه؛
- با تخریب صدها هزار هکتار از مزارع و باغات زیتون و با تخریب شهرها و آبادیها.

این تراژدی منحصر به زمان تأسیس نیست، متأسفانه شصت سال است که ادامه دارد. رژیم تأسیس شده است که حتی به بچه‌ها رحم نمی‌کند، خانه‌ها را بر سر مردم خراب می‌کند، برنامهٔ ترور شخصیت‌های فلسطینی را از قبل اعلام می‌کند و هزاران فلسطینی را در زندانها نگهداری می‌کند. چنین پدیده‌ای در قرون اخیر کم نظیر یا بی‌نظیر است. سؤال بزرگ دیگر بسیاری از مردم این است که چرا چنین رژیمی مورد حمایت است؟

آیا حمایت از چنین رژیمی حمایت از تعلیمات حضرت مسیح (ع) یا حضرت موسی (ع) و یا منطبق بر ارزشهای لیبرالیستی است؟

و آیا واگذار نمودن حق تعیین سرنوشت تمام سرزمین فلسطین به صاحبان اصلی آن که در داخل و خارج فلسطین هستند، اعم از مسلمانان، یهودیان و مسیحیان، با اصول دموکراسی و حقوق بشر و تعلیمات انبیاء منافات دارد؟ اگر منافات ندارد، چرا با همه پرسى مخالفت می شود؟

دولت فلسطینی اخیراً با انتخاب مردم فلسطین روی کار آمد. همه ناظران بی طرف تأیید می کنند این دولت منتخب مردم است. با ناباوری دولت منتخب را تحت فشار قرار دادند و به او گفته شد باید رژیم اسرائیل را به رسمیت بشناسد و دست از مقاومت بردارد و برنامه های دولت قبل را تعقیب نماید.

اگر دولت فعلی فلسطینی چنین سیاستهایی را از قبل اعلام کرده بود، آیا مردم فلسطین آن را انتخاب می کردند؟ آیا این نوع موضع گیری در مقابل دولت فلسطینی قابل تطبیق با ارزشهای پیش گفته است؟

همچنین مردم می پرسند چرا هر قطعنامه ای که در شورای امنیت علیه رژیم صهیونیستی مطرح می گردد، و تومی شود؟

آقای رئیس جمهور؛

می دانید با مردم زندگی می کنم و دائم با آنان در تماس هستم. بسیاری از مردم خاورمیانه به نحوی با من تماس می گیرند. آنان این گونه سیاستهای چندگانه را با هیچ منطقی سازگار نمی دانند. شواهد نشان می دهد عموم مردم منطقه، هر روز نسبت به سیاستهای اعمال شده عصبانی تر می شوند.

قصد من طرح سؤالات فراوان نیست اما می خواهم به چند نکته دیگر هم اشاره کنم.

چرا در منطقه خاورمیانه هر پیشرفتی در علم و فناوری، تهدیدی علیه رژیم صهیونیستی تعبیر و تبلیغ می شود؟ آیا تلاش علمی و تحقیقاتی از حقوق اولیه ملتها نیست؟ شما احتمالاً با تاریخ آشنایی دارید. غیر از قرون وسطی، در چه مقطع تاریخی و در کجای عالم پیشرفت علمی و فنی یک جرم تلقی شده است؟ آیا فرض احتمال استفاده از

علوم در مقاصد نظامی می تواند دلیلی بر مخالفت با علم و فن باشد؟ اگر چنین نتیجه گیری صحیح باشد، پس باید با همه علوم مخالفت شود؛ حتی با فیزیک، شیمی، ریاضیات، علوم پزشکی، مهندسی و ...

در قضیه عراق دروغی گفته شد، نتیجه آن چه بود؟ من تردیدی ندارم که در تمام جوامع بشری دروغ امر ناپسندی است و جناب عالی هم دوست ندارید کسی به شما دروغ بگوید.

آقای رئیس جمهور؛

آیا ملت‌های مختلف در امر یکای لاتین حق دارند بپرسند چرا با حکومت‌های منتخب آنان در این قاره مخالفت و در مقابل از کودتاگران حمایت می شود؟ چرا سایه تهدید دائمی بالای سر آنان است؟

مردم آفریقا مردمی پرتلاش، خلاق و با استعداد هستند. آنان می توانند نقش مهم و ارزنده‌ای در تأمین نیازها و پیشرفت مادی و معنوی جامعه بشری ایفا کنند. فقر و تنگدستی در بخش بزرگی از آفریقا مانع چنین نقشی است. آیا آنان حق دارند بپرسند چرا ثروت عظیم و معادن آنان به یغما برده می شود در حالی که خود آنان بیش از دیگران نیازمند آن هستند؟ آیا چنین اقداماتی با تعلیمات حضرت مسیح و با حقوق بشر منطبق است؟

ملت شجاع و مؤمن ایران هم سؤالات زیادی دارند. از جمله، انجام کودتای ۲۸ مرداد در پنجاه و دو سال پیش و سرنگونی دولت قانونی وقت، مقابله با انقلاب اسلامی و تبدیل سفارت به ستاد حمایت از مخالفین جمهوری اسلامی مستند به هزاران برگ سند، حمایت از صدام در جنگ علیه ایران، سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران، توقیف اموال ملت ایران، تهدیدات روز افزون و ابراز ناراحتی و عصبانیت از پیشرفت علمی و هسته‌ای ملت ایران، در حالی که تمام ایرانیان به خاطر پیشرفت کشورشان شادند و جشن و سرور برپا کردند و موارد متعددی از این دست که از شرح آن در این نامه می گذرم.

آقای رئیس جمهور؛

واقعه یازده سپتامبر واقعه هولناکی بود. کشتن بیگناهان در همه جای دنیا تأسف بار و دردناک است. دولت ما همان موقع با اعلام تنفر از مسببین چنین وقایعی، به بازماندگان

حادثه تسلیت گفت و اظهار همدردی کرد.

همه دولت‌ها موظف‌اند از جان و مال و آبروی شهروندان خود محافظت کنند. آن طور که گفته می‌شود دولت شما برخوردار از سیستم‌های امنیتی و حفاظتی و اطلاعاتی گسترده‌ای است و حتی مخالفین خود را در خارج از مرزها شکار می‌کند. عملیات یازده سپتامبر عملیات ساده‌ای نبود. آیا طراحی و اجرای عملیات بدون هماهنگی با سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی و یا نفوذ گسترده در آن می‌توانست امکان پذیر باشد؟ البته این یک احتمال عقلایی است. چرا ابعاد این موضوع تا کنون مخفی مانده است؟ چرا توضیح داده نمی‌شود چه کسانی در این حادثه کوتاهی کرده‌اند؟ و چرا مسببین و مقصرین معرفی و محاکمه نمی‌شوند؟

آقای رئیس جمهور؛

از وظایف همه دولت‌ها ایجاد امنیت و آرامش برای شهروندان است. مردم کشور شما و کشورهای هم‌جوار نقاط بحرانی جهان چندین سال است احساس امنیت روانی ندارند. بعد از حادثه سپتامبر، به جای التیام روانی و آرام آسب‌دیدگان و شهروندان امریکایی که به شدت تحت تأثیر حادثه بودند، برخی رسانه‌های غربی جو ناامنی را دامن زدند و به طور مداوم از احتمال حملات تروریستی سخن گفتند و مردم را در ترس و وحشت نگه داشتند. آیا این خدمت به مردم امریکاست؟ آیا خسارت ناشی از ترس و وحشت قابل محاسبه است؟

تصور کنید، شهروندان امریکایی در همه جا احتمال حمله را می‌دادند. در خیابانها، در محل کار و در خانه احساس ناامنی می‌کردند. این وضعیت را چه کسی می‌پسندد؟ چرا رسانه‌ها به جای القای آرامش و امنیت، ناامنی را القا می‌کردند؟ برخی معتقدند این تبلیغات برای زمینه‌سازی و توجیه حمله به افغانستان بوده است. در همین جا باید اشاره‌ای به رسانه‌ها بشود.

در کشورهای رسانه‌ای، اطلاع رسانی درست و حفظ امانت در انتشار خبر، یک اصل انسانی و پذیرفته شده است. مایلم تأسف عمیق خود را از عدم تعهد برخی رسانه‌های غربی به چنین اصلی اعلام کنم. بهانه اصلی در حمله به عراق، وجود سلاح‌های کشتار جمعی بود. آن قدر این موضوع تکرار شد تا مردم باور کنند و زمینه حمله به عراق نیز فراهم شود. آیا در فضای ساختگی و دروغ، حقیقت گم نمی‌شود؟ آیا گم شدن حقیقت با معیارهای پیش

گفته سازگار است؟ و آیا حقیقت، نزد خدا هم گم می‌شود؟

آقای رئیس جمهور؛

در همهٔ کشورها مردم هستند که هزینهٔ دولت‌ها را می‌پردازند تا دولت‌ها به آنان خدمت کنند. سؤال این است که صدها میلیارد دلار هزینه‌های سالیانهٔ لشکر کشی به عراق چه دستاوردی برای مردم داشته است؟

جناب عالی اطلاع دارید در بعضی از ایالات کشور شما مردم در فقر و تنگدستی هستند. هزاران نفر بی‌خانمان زندگی می‌کنند. بیکاری معضل بزرگی است و این مشکلات کم و بیش در سایر کشورها هم هست.

آیا در چنین شرایطی آن حجم عظیم لشکرکشی و آن هزینه‌های هنگفت از خزانهٔ مردم توجیه‌پذیر است و با اصول پیش گفته تطابق دارد؟

آقای رئیس جمهور؛

آنچه گفته شد بخشی از دردهای امروز مردم جهان، منطقه ما و مردم شماست. اما کلام اصلی من که شما حداقل بخشی از آن را تصدیق خواهید کرد این است که: حاکمان دوران معینی دارند و پایدار نیستند، اما نام و یاد آنان در تاریخ خواهد ماند و در آینده‌های نزدیک و دور دائم در معرض قضاوت خواهند بود. مردم خواهند گفت در دوران ما چه گذشته است.

آیا برای مردم امنیت، رفاه و آسایش آورده‌ایم یا ناامنی و بیکاری؟

آیا می‌خواستیم عدالت بر پا کنیم یا فقط از گروه‌های خاصی حمایت کردیم و به قیمت فقر و تنگدستی عدهٔ زیادی از مردم، عدهٔ اندکی را به ثروت و مقام رساندیم و رضایت آنان را بر رضایت خدا و مردم ترجیح دادیم؟

آیا از حقوق مردم و محرومین دفاع کردیم یا آنان را نادیده گرفتیم؟

آیا از حقوق انسانها در سراسر جهان دفاع کردیم یا اینکه با تحمیل جنگ و دخالت‌های غیر قانونی در امور کشورها و با ایجاد زندانهای مخوف عده ای را به بند کشیدیم؟

آیا امنیت و صلح را برای جهان رقم زدیم یا سایهٔ تهدید و زور را در جهان گسترانیدیم؟

آیا به ملت خود و سایر مردم جهان راست گفتیم یا اینکه حقایق را وارونه جلوه

دادیم؟

آیا طرفدار مردم بودیم یا طرفدار اشغالگران و ستمگران؟
 آیا در حکومت ما منطق، عقل، اخلاق، صلح، عمل به تعهدات، گسترش عدالت،
 خدمت به مردم، رفاه و پیشرفت، حفظ کرامت انسانی مورد توجه بود یا زور اسلحه،
 تهدید، ناامنی، بی توجهی به مردم، عقب انداختن پیشرفت و تعالی ملت‌ها و پایمال کردن
 حقوق انسانها؟
 و بالاخره خواهند گفت، آیا به آنچه سوگند یاد کردیم، در خدمت به مردم که وظیفه
 و تعهد اصلی ماست و به آیین پیامبران پایبند بودیم یا خیر؟

آقای رئیس جمهور؛

- تا کی جهان می‌تواند چنین وضعیتی را تحمل کند؟ با این روند، جهان به چه سمتی
 خواهد رفت؟
 - تا کی مردم جهان باید خسارت تصمیمات نادرست برخی حاکمان را بدهند؟
 - تا کی باید سایه ناامنی ناشی از انباشت سلاحهای کشتار جمعی بر مردم جهان
 سایه افکند؟
 - تا کی باید خون کودکان و زنان و مردان بر سنگ فرش خیابانها و کوچه‌ها بریزد
 و خانه‌های مردم بر سر آنان خراب شود؟
 آیا جناب عالی از وضعیت امروز جهان راضی هستید؟
 و آیا فکرمی‌کنید سیاستهای جاری می‌تواند ادامه یابد؟
 آیا اگر به جای صدها میلیارد دلار مخارج امنیتی، نظامی و لشگرکشی، این ارقام
 صرف سرمایه‌گذاری و کمک به کشورهای ضعیف، توسعه بهداشت و مبارزه با امراض
 مختلف، آموزش و بالا بردن توانمندیهای فکری و جسمی، کمک به آسیب دیدگان ناشی
 از بلایای طبیعی، ایجاد اشتغال و تولید، آبادانی و رفع فقر و محرومیت، صرف ایجاد
 صلح، رفع اختلافات بین کشورها، خاموش کردن جنگهای قومی و نژادی و ... می‌شد،
 امروز جهان در چه موقعیتی بود؟ و آیا دولت و مردم شما نیز احساس غرور و سربلندی
 نمی‌کردند؟
 آیا موقعیت سیاسی و اقتصادی دولت شما و مردم مستحکم‌تر نبود؟

با کمال تأسف می گویم آیا نفرت فزاینده امروز مردم جهان نسبت به دولت امریکا وجود داشت؟

آقای رئیس جمهور؛

قصد آزدن خاطر کسی را ندارم. آیا اگر امروز حضرت ابراهیم، اسحق، یعقوب، اسماعیل، یوسف و یا حضرت عیسی (علیهم السلام) حضور داشتند، در مورد این رفتارها چه قضاوتی داشتند؟ آیا در جهان موعود که عدالت سرتاسر آن را فراخواهد گرفت و حضرت عیسی مسیح (ع) حضور خواهند یافت، به ما نقشی خواهند داد؟ و آیا ما را خواهند پذیرفت؟ سؤال کلیدی من این است؛ آیا راه بهتری برای تعامل با ملتها و جهان وجود ندارد؟

امروز در جهان صدها میلیون نفر مسیحی و صدها میلیون نفر مسلمان و میلیونها نفر پیرو آیین حضرت موسی (ع) هستند. همه ادیان الهی در یک کلام شریک هستند و آن کلمه توحید است؛ یعنی اعتقاد به خدای یگانه‌ای که جز او خدایی در جهان نیست. قرآن کریم بر این کلام مشترک تأکید دارد و همه پیروان ادیان الهی را دعوت می‌کند و می‌فرماید:

« بگو ای اهل کتاب، بیاید به سوی کلمه‌ای که پذیرفته ما و شماست. آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش و ربوبیت نگیرد.» (قرآن مجید - سوره آل عمران، آیه ۶۳).

آقای رئیس جمهور؛

بر اساس کلام الهی همه ما به پرستش خدای یگانه و تبعیت از رسولان الهی دعوت شده‌ایم. پرستش خداوندی که فوق همه قدرتهای عالم است و بر هر کاری تواناست. «خداوندی که دانای پنهان و آشکار و گذشته و آینده است و می‌داند در قلب بندگانش چه می‌گذرد و اعمال آنان را ثبت می‌کند.»

«خداوندی که مالک آسمانها و زمین است و همه عالم عرصه پادشاهی اوست.»
 «تدبیر همه عالم به دست اوست و به بندگان وعده مغفرت و بخشش گناهان می‌دهد.»
 «او یار مظلومان و دشمن ستمگران است»، «رحمن و رحیم است»، «پشتیبان مؤمنان است

و آنان را از ظلمت به نور هدایت می‌کند». «ناظر اعمال بندگان است»، «بندگان را به ایمان و عمل صالح دعوت می‌کند و از آنان می‌خواهد که در مسیر حق قدم بردارند و در این مسیر استوار باشند». «بندگان را به اطاعت رسولانش دعوت می‌کند و بر اعمال آنان شاهد و ناظر است» و «پایان بد را متعلق به کسانی می‌داند که فقط حیات این جهانی را انتخاب کنند و از امر او سرپیچی کنند و به بندگان او ظلم روا دارند». «و پایان نیکو و بهشت جاوید را از آن بندگان می‌داند که از عظمت و مقام او بترسند و از هوای نفس خویش پیروی نکنند».

ما معتقدیم بازگشت به آیین انبیاء الهی تنها راه سعادت و نجات است. شنیده‌ام جناب‌عالی به آیین مسیح (ع) گرایش دارید و به وعده الهی حکومت صالحان در زمین اعتقاد دارید.

ما نیز حضرت عیسی مسیح (ع) را از پیامبران بزرگ الهی می‌دانیم که در قرآن بارها از ایشان تجلیل شده است و این کلام از حضرت مسیح (ع) نقل شده است:

«و ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم». پروردگار من و شما الله است، پس او را پرستید و صراط مستقیم الهی همین است. (قرآن مجید - سوره مریم، آیه ۳۶)

بندگی و اطاعت خداوند شعار همه پیامبران الهی است. خدای همه مردمان در اروپا، آسیا، افریقا، امریکا و اقیانوسیه و همه عالم یکی است. او خدایی است که هدایت و عزت همه بندگان خود را می‌خواهد و به انسانها کرامت بخشیده است.

و در کلام الهی است که: «خداوند قادر متعال پیامبران را با معجزات و نشانه‌های آشکار برای هدایت مردم فرستاده تا آیات الهی را به آنان نشان دهند و آنان را از گناه و آلودگیها پاک کنند. و کتاب و میزان را فرستاد تا مردم عدالت را بر پا کنند و از طغیانگران بپرهیزند».

همه این آیات به نحوی در کتاب مقدس نیز آمده است. پیامبران الهی وعده داده‌اند که روزی بر پا خواهد شد که همه انسانها در پیشگاه خداوند متعال حاضر خواهند شد تا به اعمال آنان رسیدگی شود. نیکوکاران به بهشت رهنمون خواهند شد و بدکاران به عذاب الهی دچار می‌شوند. فکرمی‌کنم هر دوی ما به چنین روزی اعتقاد داریم.

اما محاسبه اعمال حاکمان آسان نخواهد بود. زیرا ما باید پاسخگوی ملت خود و همه کسانی باشیم که اعمال ما به نحوی در زندگی آنان موثر بوده است.

پیامبران، صلح و آرامش را بر پایه خدایپرستی و عدالت و حفظ کرامت انسانی برای همه بشریت خواسته‌اند.

آیا اگر همه ما به این مبانی؛ یعنی توحید و خدایپرستی، عدالت و حفظ کرامت و عزت انسانی و اعتقاد به روز واپسین معتقد و متعهد شویم، نمی‌توان بر مشکلات امروز جهان که نتیجه دوری از اطاعت خداوند و آیین پیامبران است، فائق شد و بهتر و زیباتر نقش آفرینی کرد؟

آیا اعتقاد به این مبانی؛ صلح و دوستی و عدالت را گسترش نمی‌دهد و تضمین نمی‌کند؟

آیا مبانی مزبور، آیین نوشته یا نا نوشته اکثریت مردم جهان نیست؟
آیا جناب عالی این دعوت را اجابت نمی‌کنید؟ بازگشت حقیقی به آیین پیامبران، به توحید و عدالت، به حفظ کرامت انسانی و به اطاعت از خداوند و رسولان او.

جناب آقای رئیس جمهور؛

نگاهی به تاریخ نشان می‌دهد که اگر حکومتها در طریق ظلم و ستم باشند، نمی‌توانند پایدار بمانند. خداوند سرنوشت بشریت را به دست آنان نسپرده است. خداوند جهان و انسانها را رها نکرده است؛ چه بسیار وقایعی که بر خلاف خواست و تدبیر حکومتها اتفاق می‌افتد. وقایع نشان می‌دهد دست قدرت برتری در کار است که همه امور با اراده او رقم می‌خورد.

آقای رئیس جمهور؛

آیا نشانه‌های تغییر و تحولات در جهان امروز قابل انکار است؟
آیا اوضاع فعلی جهان با ده سال قبل را می‌توان مقایسه کرد؟ تغییرات سریع و بسیار گسترده است.

مردم جهان از وضعیت موجود راضی نیستند و کمتر به وعده‌ها و اظهارات برخی حاکمان موثر در جهان اعتماد می‌کنند. مردم بسیاری از نقاط جهان احساس ناامنی می‌کنند و با توسعه ناامنی و جنگ مخالف‌اند و سیاستهای چندگانه را نمی‌پذیرند. مردم نسبت به شکاف موجود بین ثروتمندان و فقرا و کشورهای مرفه و فقیر معترض هستند.

مردم از فساد رو به تزاید ابراز تنفر می کنند . مردم بسیاری از کشورها از اینکه بنیانهای فرهنگی آنان در معرض تهاجم است و بنیان خانواده‌ها از هم می پاشد و از اینکه مهر و محبتها کم شده است، ناراحت اند. مردم جهان به سازمانهای بین المللی خوشبین نیستند؛ زیرا حقوق آنان توسط این سازمانها استیفا نمی شود.

لیبرالیسم و دموکراسی غربی نتوانسته اند بشر را به آرمانهای خود نزدیک کنند و امروز دو مفهوم شکست خورده اند . ژرف اندیشان و عقلای عالم، صدای فرو ریختن اندیشه و نظامات لیبرال دموکراسی را به وضوح می شنوند. امروز توجه مردم جهان به سوی یک کانون اصلی رو به افزایش است و آن کانون ، خداوند یگانه است و صد البته مردم با خداپرستی و تمسک به آیین پیامبران بر مشکلات خود پیروز خواهند شد . سؤال جدی من این است، آیا شما نمی خواهید آنان را همراهی کنید ؟

آقای رئیس جمهور؛

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم ، جهان به سمت خداپرستی و عدالت به پیش می رود و اراده خدا بر همه چیز غلبه خواهد کرد .

والسلام علی من اتبع الهدی

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهوری اسلامی ایران

تهران، هجدهم اردیبهشت ماه سال یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج هجری شمسی

نامهٔ رئیس جمهوری اسلامی ایران به آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان

بسم الله الرحمن و الرحيم

سرکار خانم آنگلا مرکل، صدر اعظم محترم جمهوری فدرال آلمان

سلامهای گرم مرا پذیرا باشید.

شاید اگر آلمان منشأ تحولات بزرگ در علم، فلسفه، ادبیات، هنر و سیاست نبود. و اگر نمی‌توانست نقش مهم‌تری در تأثیرگذاری مثبت در تعاملات بین‌المللی و گسترش صلح داشته باشد.

همچنین، اگر تداوم یک ارادهٔ قوی در بعضی قدرتهای جهانی و گروههای خاص که همواره کشور بزرگ آلمان را شکست خورده و بدهکار جنگ جهانی دوم معرفی می‌نمایند و باج‌خواهی می‌کنند، نبود.

و اگر نبود حضور جناب‌عالی به عنوان سیاستمداری دنیا دیده و با تجربه‌های تلخ و شیرین در دو جامعه با حکومتها و آداب و روشهای مختلف در رأس دستگاه اجرایی کشورتان و در عین حال، برخوردار از امتیازاتی که فقط مربوط به زنان است، نظیر بهره‌مندی از عواطف انسانی قوی‌تر و جلوه‌هایی از رحمت و عطوفت خداوند بزرگ به ویژه در جایگاه مادری و خدمت به مردم و مسئولیت مشترک همهٔ خداپرستان در حفظ حرمت و کرامت انسانها و جلوگیری از تضييع حقوق و تحقير آنان، با این اعتقاد که همهٔ بندگان خداوند متعال هستیم و خداوند به همهٔ ما کرامت عطا فرموده است و کسی بر کس دیگر برتری ندارد و به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان جامعه‌ای را از حقوق خود محروم کرد و از پیشرفت و کمال بازداشت یا او را محدود و تحقیر کرد.

و بالاخره، اگر نبود مظلومیت‌های هر چند متفاوت ملت‌های ما، و همچنین مسئولیت مشترک ما در گسترش عدالت به عنوان اصلی‌ترین پایهٔ حفظ صلح و آرامش و برابری

انسانها، انگیزه‌ای در نوشتن این نامه پیدا نمی‌کردم.

جناب صدر اعظم؛

حاکمان می‌آیند و می‌روند، اما مردم با تاریخ و فرهنگ و دلبستگیها و علائق خود می‌مانند. فرصتهای پیش روی حاکمان یک کشور حتی اگر گسترده هم باشند، زودگذر هستند. این فرصتها بسیار مغتنم هستند و می‌توانند در تغییرات و تحولات مثبت و منفی یک کشور نقش کلیدی داشته باشند. حاکمان با فرصت کم و با مسئولیت بزرگی که بر عهده دارند، در پیشگاه خداوند و مردم خود پاسخگو هستند. این را هم ما می‌دانیم و هم شما.

بعضی از این تحولات می‌توانند تأثیرات منطقه‌ای، قاره‌ای و یا جهانی داشته باشند و هرگز نمی‌توانند مورد غفلت واقع شوند.

مدتی است در این اندیشه‌ام چرا امروز به بعضی ملتها که می‌توانند و تاریخ آنان نشان می‌دهد که در گذشته توانسته‌اند نقشهای مهم و برجسته‌ای در پیشرفت مادی و معنوی بشر در عرصه‌های مختلف علمی، هنری، ادبی، فلسفی و سیاسی داشته و تمدن ساز باشند، اجازه داده نمی‌شود به عنوان یک ملت بزرگ به دستاوردهای تاریخی خود آن طور که شایسته است، افتخار کنند و نقش سازنده خود را در صحنه جهانی به خوبی ایفا نمایند، بلکه تلاش می‌کنند همواره ابری سیاه از تحقیر و شرمندگی و عذر را بالای سر آنان نگه دارند. و تأسف بالاتر اینکه، این وضعیت را بعضی از مسئولان و مدیران آن ملت نیز شایسته خود و ملت خود می‌دانند و از آن دفاع می‌کنند. آیا این از عجایب و نوادر جهان امروز نیست؟

تلاشهای تبلیغاتی بعد از جنگ جهانی دوم آن چنان وسیع بوده است که بعضی باور کرده‌اند مقصر تاریخی هستند و باید جریمه گناهان پدران خود را طی نسلهای متوالی و تا زمانی نامعلوم پرداخت نمایند.

عالی جناب؛

جنگ جهانی دوم با همه ضایعات مادی و معنوی و با شصت میلیون قربانی خاتمه یافته است. کشته شدن انسانها تأسف بار و دردناک است. در همه ادیان الهی و در نزد

همه وجدانهای بیدار و فطرت‌های پاک انسانی، جان و مال و نوامیس مردم با هر مذهبی و از هر نژادی و در هر مکانی محترم است .

حدود شصت سال است که جنگ خاتمه یافته است ، اما متأسفانه هنوز آثار و تبعات آن متوجه کل جهان و به خصوص بعضی از کشورهاست . هنوز برخورد بعضی از کشورهای زورگو و گروه‌های قدرت طلب و جنگ افروز، برخورد کشورهای فاتح با کشورهای شکست خورده است .

باچ خواهیها ادامه دارد و مردم حق ندارند حتی در مورد منشأ آن فکر و سؤال کنند؛ زیرا در این صورت جای آنان در زندان است . تا کی باید این شرایط ادامه یابد؟ شصت سال ، یک قرن ، ده قرن، تا کی ؟ متأسفم این نکته را یادآوری نمایم که امروز مدعیان دائمی علیه ملت بزرگ آلمان، بعضی کشورهای زورگو و صهیونیستها هستند که رژیم اشغالگر قدس را با زور سرنیزه در خاورمیانه تأسیس کرده‌اند .

جناب صدر اعظم؛

این جانب قصد ندارم موضوع هولوکاست را بررسی کنم . اما آیا این احتمال عقلایی نیست که بعضی کشورهای پیروز در جنگ قصد داشته‌اند بهانه‌ای درست کنند و بر اساس آن، مردم کشور مغلوب در جنگ را دائماً شرمنده نگه دارند تا انگیزه، حرکت و نشاط را در آنان تضعیف کنند و جلوی پیشرفت و اقتدار شایسته آن کشور را سد نمایند ؟ علاوه بر مردم آلمان ، مردم خاورمیانه و بلکه همه بشریت از طرح موضوع هولوکاست متضرر شده‌اند. بدین ترتیب که با طرح ضرورت استقرار بازماندگان هولوکاست در سرزمین فلسطین، یک تهدید دائمی در خاورمیانه به وجود آوردند تا فرصتهای پیشرفت و تعالی را از مردم منطقه بگیرند . وجدان جمعی جهانی از جنایات روزمره اشغالگران صهیونیست، از تخریب منازل و مزارع ، کشتن کودکان و از ترورها ، بمبارانها و ... آزرده است.

عالی جناب؛

شاهد هستید، دولت صهیونیستی نمی‌تواند حتی دولت منتخب مردم فلسطین را در کنار خود تحمل کند و بارها ثابت کرده است که در تجاوزهای همسایه هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی‌شناسد.

سؤال این است، اگر این کشورها و به خصوص انگلیس در برابر بازماندگان هولوکاست احساس مسئولیت می‌کردند، چرا آنان را در کشور خود پناه ندادند؟ و چرا با راه اندازی جریان یهود ستیزی آنان را مجبور به مهاجرت به سرزمین دیگران کردند و به بهانه اسکان بازماندگان هولوکاست، یهودیان را در سراسر جهان تشویق به مهاجرت کردند و امروز بخش مهمی از ساکنان سرزمینهای اشغالی، یهودیان غیر اروپایی هستند؟ و آیا اگر ظلم و کشتار احتمالی در یک منطقه جهان محکوم و مردود باشد، می‌توان به بهانه جبران آن در منطقه دیگری از جهان، به ظلم و کشتار و اشغالگری و ترور رضایت داد؟

عالی جناب؛

باید دید میلیونها دلاری که صهیونیستها سالانه از خزانه بعضی ملتهای غربی دریافت می‌کنند، صرف چه اقداماتی در سرزمینهای اشغالی می‌شود؟ آیا صرف توسعه صلح و رفاه مردم می‌شود یا صرف جنگ با فلسطینیها و تجاوز به همسایگان؟ آیا وجود زرادخانه‌های اتمی در اسرائیل برای دفاع از بازماندگان هولوکاست است یا یک تهدید دائمی علیه ملتهای منطقه و ابزاری در جهت زورگویی و اشغالگری و احیاناً حمایت از منافع برخی باندهای قدرت در غرب؟

متأسفانه نفوذ صهیونیستها در اقتصاد، در رسانه‌ها و در بعضی از مراکز قدرت سیاسی، مصالح بسیاری از مردم اروپا را به مخاطره افکنده و فرصتهای زیادی را از دست آنان ربوده است. بهانه اصلی چنین رویکرد باج خواهانه‌ای، هولوکاست است. در صورتی که این تحمیل شصت ساله اتفاق نمی‌افتاد، بعضی از کشورهای اروپایی امروز چه منزلتی داشتند و چه نقشی در جهان ایفا می‌کردند؟

فکر می‌کنم من و شما در این امر هم عقیده باشیم که شکوفایی و ایفای نقش ملتها، رابطه مستقیم با آزادی و احساس غرور آنان دارد.

خوشبختانه با همه فشارها و محدودیتها، ملت بزرگ آلمان قدمهای بلندی در راه پیشرفت و تعالی برداشته است و امروز یکی از قطبهای اقتصادی اروپاست و تلاش می‌کند نقش مؤثرتری را در تعاملات بین المللی ایفا نماید. اما تصور کنید اگر این وضع وجود نداشت و دولتهای حاکم به باج خواهی صهیونیستها نه می‌گفتند و از بزرگترین دشمن بشریت حمایت نمی‌کردند، امروز آلمان، در چه مرتبه‌ای از حیثیت نزد آزادگان و

مسلمانان جهان و مردم اروپا و تأثیرگذاری در صلح و آرامش جهانی قرار داشت؟ متأسفم بگویم اروپا نقش خود را در تعاملات جهانی تا حد زیادی از دست داده است و در حوادث بزرگ نتوانسته است با اتکاء به خود مشکلات را حل کند. و البته این هم قابل درک است که قدرتهای بزرگ خارج از قاره در پی آنند که ثابت کنند اروپا نمیتواند به خود متکی باشد و القاء می کنند تا کمک و مداخله آنها نباشد، اروپاییان نمیتوانند کاری انجام دهند.

ملت ما نیز پس از جنگ دوم جهانی از مداخلات برخی فاتحین این جنگ رنج برده است. طی سالهای طولانی آنان در همهٔ امور ما مداخله می کردند و نمی خواستند ملت ما قله‌های پیشرفت و تکامل را فتح نماید. آنان به منابع عظیم ثروت ملت ما از جمله انرژی چشم دوخته بودند و برای حفظ منافع خود، دولت قانونی وقت را سرنگون و از رژیم دیکتاتوری تا آخر حمایت کردند و بعد از آن در جریان جنگ تحمیلی صدام علیه ما، از صدام حمایت کردند و هیچ مرز انسانی را در این حمایت رعایت نکردند. ملت ما درد و رنج ناشی از مداخلات کسانی که امروز فریاد حقوق بشر را سر می دهند، چشیده است و هنوز عدهٔ زیادی از مردم ما هستند که از جراحات دوران جنگ رنج می برند.

اکثر این تجاوزها از جانب کسانی است که بعد از جنگ جهانی دوم خود را پیروز جنگ دانسته و به خود اجازه داده‌اند به هر اقدامی دست بزنند و متأسفانه بعد از پایان جنگ سرد، خودخواهیها و توسعه طلبیهای قدرتهای مزبور بیشتر شده است. ما فکرمی کنیم هنوز بخش مهمی از مردم جهان و حتی سازمانهای بین المللی تحت تأثیر اخلاق و رفتار فاتحین جنگ دوم هستند.

در مجمع عمومی سازمان ملل مواضع ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران را توضیح دادم. آیا مناسبات موجود نظیر قواعد حاکم بر شورای امنیت و حق و توامری عادلانه است؟ آیا وقت آن نرسیده است با همکاری دولتهای مستقل این مناسبات که به هیچ وجه مورد قبول وجدان جمعی ملت‌های جهان نیست و مخالف عقل و فطرت انسانی است، تغییر یابد؟ و یا حداقل برای اینکه به عدالت نزدیک تر شد، مجموعه‌های دیگری هم از ملت‌های عالم از حق و تو بهره مند شوند؟

جناب صدر اعظم؛

شما با درد و رنجهای موجود در جهان آشنا هستید. امروز درد و رنج مردم عراق از اشغال، ناامنی و ترورهای روزمره، درد و رنج همه بشریت است. مداخلات بی وقفه بعضی کشورهای زورگو در امور داخلی کشورها، مخالفت با حقوق مسلم و قانونی ملتها در دسترسی به فناوریهای برتر، تهدید دائمی با اتکاء به زرادخانههای شیمیایی و اتمی و سلاحهای کشتار جمعی، مخالفت با دولتهای مردمی در امریکای لاتین، حمایت از حکومتهای کودتا و دیکتاتوری، بی توجهی به ملتهای افریقا و سوء استفاده از خلاء قدرت و غارت منابع ملی آنان از مشکلات امروز جهان معاصر است. این جانب در نامه‌ای به رئیس‌جمهور امریکا آقای بوش فهرست بلندبندی از مشکلات عصر حاضر را برشمرده‌ام.

عالی جناب سرکار خانم مرکل؛

ریشه این نابسامانیها چیست؟ و تا کی می‌تواند ادامه یابد؟ آیا فکر نمی‌کنید ریشه اصلی این نابسامانیها دوری بعضی از حاکمان و قدرتها از تعلیمات انبیاء الهی، تعلیمات حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت عیسی (علیهم السلام) و پیامبر خاتم، حضرت محمد (ص) است؟

در همه ادیان الهی که ما و شما بدان معتقد هستیم، این آموزه‌ها وجود دارد:

- خداوند خالق و پروردگار همه است. او انسانها را آزاد خلق کرده است و اجازه نداده است بنده کس دیگری غیر از او باشند.

- او امر کرده است فقط او را بپرستند و از زورگویان و ظالمان برحذر باشند.

- او امر به تقوی، نیکی و خدمت به بندگان خدا، مهربانی و دفاع از مظلومان و مبارزه با ستمگران کرده است.

- خداوند به انسانها کرامت بخشیده است و ذلت را برای آنان نمی‌پسندد.

- او پیامبرانش را با دلایل روشن و کتاب و میزان فرستاده است و از بندگان خود خواسته است در اقامه عدل پیاخیزند.

بر اساس همین مبانی مشترک، ما معتقدیم؛

- صلح و آرامش واقعی فقط بر پایه خداپرستی و عدالت می‌تواند در جهان مستقر و پایدار شود.

- صلح و آرامش و کرامت انسانی حق همه ملت‌هاست .
 - تلاش در جهت پیشرفت و تعالی و تأمین زندگی توأم با معنویت ، محبت و رفاه از حقوق همه مردم است .
 ما و شما می‌توانیم با اتکاء به این مبانی که مبانی مشترک همه ادیان الهی است، پایه‌گذار حرکتی نو در تحقق این آرمانهای بلند بشری باشیم.
 ملت ما بدین مبانی معتقد و متعهد است. تاریخ نشان می‌دهد ملت ایران اهل تجاوز و ظلم به هیچ کشور و ملتی نیستند و در عین حال، اجازه هم نمی‌دهد کسی به او ظلم و تجاوز کند . تجربه هشت سال جنگ تحمیلی جلوی چشم همه مردم جهان است . فکر می‌کنم ما و شما هر دو مورد ظلم واقع شده‌ایم. آنان حقوق شما را رعایت نمی‌کنند و می‌خواهند ما هم از حقوق خود دست برداریم.
 خوشبختانه شنیده‌ام جناب‌عالی هم از صراحت سخن برخوردارید و با تشنج و جنگ افروزی مخالفید .

جناب صدر اعظم؛

فطرت‌های خداخواهی و عدالت‌خواهی مردم جهان بیدار شده است . گرایش به توحید و خداپرستی رو به تزاید است. مردم ظلم ، تحقیر و ضایع شدن حقوق خود را بر نخواهند تافت .

شرایط امروز جهان با دیروز متفاوت است . برخوردها و استانداردهای چندگانه در مناسبات پایدار نخواهند ماند .

ایران و آلمان می‌توانند با تکیه بر دیدگاه‌های متعالی و بلند درکنار یکدیگر، نقش مهم‌تری در صحنه بین‌المللی ایفا کنند . این همکاری‌ها می‌تواند نقش اروپا در صحنه بین‌المللی را نیز ارتقاء بخشد و الگویی از همکاری و همراهی دو ملت و دو دولت ارائه نماید. بدون تردید همکاری دو ملت صلح طلب، قدرتمند و با فرهنگ آلمان و ایران به نفع اروپا است.

ما باید به ناهنجاریهای موجود در تعاملات بین‌المللی؛ تعاملاتی که تعاملات پیروزمندان و شکست خوردگان در جنگ دوم جهانی است، خاتمه دهیم. در این مسیر ملتها و تعداد زیادی از دولتها نیز همراه ما خواهند بود .

ما باید سایه سنگین جنگ جهانی دوم را محو کنیم و به جامعه بین المللی برای گسترش امنیت، آزادی و احساس آرامش کمک کنیم.

مردم آلمان و ایران دو ملت بزرگ، تمدن ساز، با فرهنگ غنی و پیشرو در علم، ادب، هنر و فلسفه بوده اند. مردم هر دو کشور خداپرست و پیرو آیین پیامبران الهی هستند و دارای سابقه طولانی در مراودات علمی و فرهنگی و تجاری و علائق ارزشمند می باشند. تردید ندارم با همکاری و همراهی دو دولت و با پشتیبانی ملت‌های بزرگ دو کشور، می توان قدم‌های بزرگی در رفع نابسامانی‌های موجود جهانی برداشت.

اساس مقابله با نابسامانی‌های موجود و مقابله با حق کشیها و تحقیرها و دفاع از حقوق ملت‌ها، تصمیمات شجاعانه است. تا آنجا که من با ملت آلمان آشنا هستم آنان در این مسیر حرکت می کنند و خواهان احیای اقتدار و عزت خود به نفع صلح و آرامش جهانی هستند. ملت ما نیز دارای چنین روحیه‌ای است.

ما به کمک یکدیگر خواهیم توانست بعضی قدرتها را متقاعد کنیم که احترام به ملت‌ها و رعایت حقوق آنان به نفع همه است. دو ملت و دو دولت ما و شما در کنار یکدیگر خواهند توانست نقش اساسی در تأمین صلح و امنیت و پیشرفت و کرامت انسانی در مقیاس دو کشور و مقیاس بین المللی ایفا نمایند.

در پایان، موفقیت جناب عالی، دولت و ملت آلمان را از خداوند بزرگ مسئلت دارم.

والسلام علی من اتبع الهدی

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهوری اسلامی ایران

تهران، هفتم شهریور ماه سال یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج هجری شمسی

نامهٔ رئیس جمهوری اسلامی ایران به پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کاتولیکهای جهان

بسم الله الرحمن و الرحيم
اللهم عجل لوليک الفرج و العافیة و النصر واجلنا من خیر اعوانه و انصاره
والمستشهدين بين یدیه.

عالی جناب پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کاتولیکهای جهان

سلامهای گرم مرا پذیرا باشید. امیدوارم عالی جناب در حفاظت از تعلیمات پیامبر بزرگ الهی حضرت مسیح که سلام خدا بر او و مادر بزرگوارش باد و در ابلاغ رسالتهای الهی موفق باشید.

حضرت عالی واقف هستید که اصلی ترین رسالت انبیاء الهی، تعلیم توحید و خداپرستی به بشر بوده است و در هر مقطع تاریخی که عدول از توحید، خداپرستی و توجه به شرک و بت پرستی رونق یافته است، خداوند پیامبری را جهت بیداری و انذار مردم ارسال فرموده است. عالی جناب به خوبی می دانند همهٔ گرفتاریهای بشر به واسطهٔ دوری او از خدا و تسلیم او در برابر تمنیات مادی و گرایشهای شیطانی پدید آمده است. پیامبر فریاد بلند عصر خود و همهٔ اعصار علیه شرک و ظلم بوده اند. از ابراهیم (ع) که در برابر نمرد ایستاد، تا اسماعیل، اسحق، یعقوب و حضرت عیسی (ع) دائم مردم را به تسلیم در برابر امر خدا دعوت می کردند و در برابر ظلم ستمگران می ایستادند. با آنکه آنان مورد تهدید و آزار قرار می گرفتند اما دست از تبلیغ امر خدا بر نمی داشتند و بعضی نظیر حضرت یحیی و زکریا (ع) به شهادت رسیدند و بعضی نظیر حضرت مسیح آن چنان مورد تعرض قرار گرفتند که با قصد کشتن و به صلیب کشیدن با او درگیر شدند. از آن پس نیز حواریون آن حضرت و شاگردان او برای آنکه خداپرستی رنگ نبازد و احکام خداوند در زمین جاری و باقی باشد، به مجاهدات خود ادامه داده اند.

پیامبری را نمی‌شناسیم که جانب ستمگران را گرفته باشد و یا در برابر بیداد ستمگران عصر خود سکوت کرده باشد. این راه و رسم دائمی همهٔ آنان است. بعد از پیامبران، روحانیون و حافظان نهضت انبیاء جهت احیای سنتها و احکام الهی و ترویج خداپرستی و فضایل اخلاقی تلاش کرده اند و همواره بانگ اعتراض بر بی‌عدالتیها و ظلمها سر داده اند و نگذاشته‌اند خودپرستیها و زورگوییها ادامه یابد و کلام خدا فراموش شود و بشریت به ورطهٔ سقوط گرفتار گردد. این رسالت عظیم همچنان بر دوش آنان باقی است.

عالی جناب پاپ؛

شما وضعیت امروز جهان را می‌بینید. دشمنان بشریت با تمام وجود در برابر حقایق عالم ایستاده‌اند و از اعمال زور و تجاوز و ظلم چیزی فرو نمی‌گذارند و خداپرستی و عدالت را قربانی می‌کنند.

کشورها به راحتی مورد حمله قرار می‌گیرند و اشغال می‌شوند. اشغالگران در آن مستقر شده و با بی‌رحمی حقوق ساکنان را پایمال، امنیت و آسایش آنان را تباه، اقتصاد آنان را ویران و جان فرزندان، جوانان، مردان و زنان را به مخاطره می‌افکنند. هزاران و بلکه صدها هزار نفر را کشته، مجروح، معلول و آواره می‌کنند. گروههای تروریستی را تقویت کرده و به جان مردم می‌اندازند و بعد می‌گویند ما برای دفع شر، استقرار امنیت و توسعه و دموکراسی آمده‌ایم. شما ملاحظه کنید در عراق چه می‌گذرد.

عالی جناب؛

آنان کشور فلسطین را تصرف و دولتی را جعل کرده و او را تا دندان مسلح می‌کنند. شصت سال است که مردم بومی فلسطین آواره‌اند و اکنون که دولت فلسطین با رأی مردم انتخاب و در بخش کوچکی از فلسطین مستقر شده است، از هر جهت مورد تهاجم است. منابع مالی او را قطع کرده‌اند. زمین و مزارع مردم تخریب می‌شود و هر روز با توپ و تانک شهرها و مردم آن را به رگبار می‌بندند. روزی نیست که خون کودکی فلسطینی بر زمین نریزد و نوجوانی بر خاک نیفتد و خانه‌ای بر سر ساکنان آن خراب نشود. مردم بی‌دفاع فلسطینی با هواپیما مورد حمله قرار می‌گیرند. این یک تراژدی شصت ساله است

که همهٔ حقوق مردم یک سرزمین پایمال گردیده و میلیونها نفر از آنان آواره شده‌اند و در حسرت بازگشت به سرزمین خود، در اردوگاهها در بدترین شرایط زندگی می‌کند و اخیراً نیز حضرت عالی ملاحظه می‌فرمایند که چه فجایعی در لبنان اتفاق می‌افتد! این وضعیت در جهان تا کی می‌تواند ادامه یابد؟

مردم عزیز لبنان سالهاست که تحت تهاجمات و تهدید دائمی حکومت غاصب صهیونیستی هستند. مردم لبنان ترکیبی از طوائف، مذاهب و ادیان مختلف هستند و دهها سال است که به همدلی، مهربانی و ... با یکدیگر زندگی می‌کنند.

لبنان کشور ثروتمندی نیست. آنچه از پله‌ها و جاده‌ها و نیروگاه‌ها و کارخانجات و مزارع آباد می‌بینیم، حاصل دسترنج دهها سالهٔ مردمان مظلومی است که به خدا متکی هستند و برای آبادانی و پیشرفت کشور خود تلاش کرده‌اند. بخش مهمی از این ثروتها با چند روز بمباران سنگین از بین رفته است. مجموعه‌های مسکونی، شهرکها و محلات ویران شدند و صدها نفر به قتل رسیدند و زخمی شدند و صدها هزار نفر دیگر آواره شدند.

پیشرفته‌ترین هواپیماها، توپخانه‌ها و تانکها با حمایت مستقیم امریکا و بعضی کشورهای غربی کار بمباران و گلوله باران روزانهٔ این سرزمین مظلوم را بر عهده داشتند. جمع کثیری از بچه‌ها کشته شدند و عده‌ای نیز یتیم شدند و اشک و اندوه چهرهٔ مادران غم‌دیده را پر کرده است. این مردم به چه گناهی مورد تعرض واقع و کشته و آواره شدند؟ این یک فاجعهٔ تاریخی بود و فاجعهٔ بزرگ‌تر اینکه، عده‌ای این فجایع را فقط تماشا می‌کردند و در قبال آن فریاد نمی‌زدند و سکوت کرده بودند و بعضی هم از متجاوزان حمایت کردند.

سازمان ملل که تحت نفوذ چند قدرت سلطه‌گر است، عاجز از تصمیم‌گیری بود. دولت امریکا حتی پیشنهاد آتش بس را وتو کرد و وزیر خارجه این کشور از لزوم تحقق خاورمیانهٔ بزرگ سخن گفت. امروز قدرتهای زورگو خود را به جای ارباب جهان فرض کرده و انسانها را به بندگی و بردگی دعوت می‌کنند.

لبنان متعلق به مردم لبنان است و مردم لبنان هستند که باید نسبت به سرنوشت خود تصمیم بگیرند، اما بعضی قدرتهای زورگو، حقیقت حضور مردم را نادیده می‌گیرند و نمی‌خواهند موضوع لبنان بر پایهٔ عدالت و صلح حل شود.

عالی جناب؛

مردم لبنان و فلسطین باید به چه کسی پناه ببرند و فریاد مظلومیت آنان را چه کسی باید پاسخ دهد؟

اگر حضرت مسیح (ع) در این دوران حاضر بودند، چگونه عمل می کردند؟ وجدان بشریت از ستمهای روزگار ما آزرده و رووهای لطیف انسانی پژمرده و ناآرام است. بدون تردید می گویم؛ پیروان همه ادیان الهی از جمله مسیحیت راضی به حق کشی، مظلومیت و ظلم عظیمی که امروز بر مردم عراق و لبنان و فلسطین روا داشته می شود، نیستند. جای سپاسگزاری است که عالی جناب نسبت به این ظلمی که امروز بر بشریت می رود، سکوت نکرده اند.

اگر امروز بر سر ظالمان و ستمگران فریاد نزنیم و از مظلومان، از کودکان یتیم، از زنان فرزند از دست داده، از آوارگان و از خانه بدوشان حمایت نکنیم، در پیشگاه خداوند بزرگ و پیامبران و مؤمنان چه جوابی خواهیم داشت؟

کلام، هشدار و اعتراض حافظان مسیح و کلیساها، روحانیون و در رأس آنان کلیسای کاتولیک به رهبری حضرت عالی که صدها میلیون در جهان مخاطب دارند و کلام نافذ و اعتراض عالی جناب پاپ بندیکت شانزدهم می تواند در تحولات جهانی اثرگذار باشد و مانع ظلم بیدادگران و مایه آرامش دل مظلومان باشد. با درخواست و تشویق شما، میلیونها نفر مسیحیان جهان تحت تأثیر قرار گرفته و با صدای رسا به ظلم و بیدادگری اعتراض خواهند کرد.

خداپرستی، عدالت گستری، مهرورزی و مخالفت با ستمگران و دفاع از ستمدیدگان و حقیقت، فصول مشترک تعلیمات همه انبیاء الهی است.

امروز فطرتهای انسانی بیدار شده است. عالی جناب شاهد هستید که در گوشه و کنار جهان پیروان همه ادیان به خیابانها می آیند و از مظلومان دفاع می کنند. پس بیاید برای نجات و رستگاری بشریت، ما پیروان ادیان الهی حول کلمه مشترک ایمان به خداوند یکتا گرد آمده و اجازه ندهیم قدرتهایی به بشریت ظلم روا داشته، انسانها را به بندگی و بردگی خود دعوت کنند.

این اعتقاد مشترک ماست که بالاخره ظلم و زورگویی رخت بر می بندد و قسط و عدل و مهربانی جهان را پر خواهد کرد و حکومت از آن صالحان و مستضعفان خواهد

بود. در آن روز حضرت مسیح (ع) نیز در میان مردم خواهد بود و آن روز دیر نخواهد بود.

بار دیگر سلامتی، سربلندی و عزت عالی جناب را از خداوند بزرگ مسئلت نموده و برای موفقیت شما دعا می‌کنم.

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهوری اسلامی ایران

تهران، ششم دی ماه سال یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج هجری شمسی

نامهٔ مادر امریکایی و پاسخ رئیس جمهوری اسلامی ایران

آقای رئیس جمهور؛

به عنوان مادری که بوش پسرش را به زور به عراق برد و او را برای همیشه از من گرفت، برای شما نامه می نویسم.

شاید شما ندانید، اما بسیاری از مردم امریکا از بوش دل خوشی ندارند و او را یک (...)* می دانند. ما او را رئیس جمهور خود نمی دانیم؛ او با تقلب توانست وارد کاخ سفید شود و قانونی نیست. حتی بسیاری از مادرانی که فرزندانشان به عراق اعزام نشده اند هم با من هم عقیده اند و آنها هم بوش را یک (...)* می دانند.

آقای رئیس جمهور؛

ما همان قدر از جنگ بیزاریم که از بوش و دار و دسته اش. خواستم به شما اطلاع دهم که اگر قصد دارید به امریکا حمله کنید، بسیاری از مردم اینجا هم مثل من هستند. ما فعلاً نمی توانیم جلوی حماقتهای بوش را بگیریم، اما برای شما نامه نوشتم چون شما را مردی خدا پرست و منطقی می دانم.

من از بوش و دولت امنیتی او نمی ترسم، اما برای آنکه نتوانند در برنامه های مبارزاتی من و همفکرانم کارشکنی کنند، خواهش می کنم مشخصات من را محفوظ نگاه دارید.

با تقدیم بهترین آرزوها

(نام محفوظ)

*برخی عبارات تند این مادر محترم و داغدار امریکایی هنگام تدوین کتاب دیپلماسی نامه حذف شده است.

متن پاسخ رئیس جمهوری اسلامی ایران

باسمه تعالی

مادر محترم سلام علیکم؛

ابتدا بابت تأخیری که در جواب دادن به نامهٔ شما پیش آمده است، عذرخواهی می‌کنم. این تأخیر را به پای گرفتاری و مشغلهٔ بیش از اندازه من بگذارید. تا کنون تعداد زیادی از این نوع پیام را دریافت کرده‌ام. اگر پسر شما از رفتن به عراق و تحمیل فشار به مردم آن دیار ناراضی بوده است، مطمئن باشید که خدا به او کمک خواهد کرد و در جهان آخرت کسانی که فرزند دل‌بند شما را به زور به جنگ برده‌اند، باید پاسخگوی خون او و سایر خونهای ریخته شده باشند.

اما در مورد نگرانی شما، جوابتان را از طریق ایمیل برای شما ارسال نکردم تا احیاناً کسانی که وارد حریم خصوصی شهروندان امریکایی می‌شوند و آنها را به طور غیرقانونی تحت کنترل دارند، برای شما مشکلی درست نکنند. در عوض، جواب شما را بر روی وبلاگ قرار می‌دهم تا سایر کسانی هم که ممکن است مانند شما بیندیشند، جواب خود را بگیرند.

خانم محترم؛

ما برای همهٔ مردم دنیا احترام قائلیم و جان و مال و آبرو و کرامت همهٔ انسانها از جمله مردم امریکا برای ما محترم است و دین ما به ما اجازه نمی‌دهد آسایش و آرامش هیچ بشری را برهم بزنیم.

حتی آن دسته از مادران ایرانی که فرزند خود را به خاطر جنایات امریکا در ایران از دست داده‌اند و یا فرزندانیه که پدران و مادران‌شان به شهادت رسیده‌اند، راضی نیستند مردم امریکا قربانی کج‌اندیشی و خودخواهیهای دولت‌مردانشان شوند. حتی دختران و پسران ایرانی که تمام خانوادهٔ خود را در حملهٔ ناو جنگی امریکا به هواپیمای مسافبری ایران در خلیج فارس از دست داده‌اند، مایل به آغاز هیچ جنگی نیستند.

ما هشت سال در برابر تهاجم همه‌جانبهٔ صدامی جنگیدیم که حمایت قدرتهای جهانی را با خود داشت و هر اسلحه و هر امکان و هر اطلاعاتی را که نیاز داشت، فوراً در اختیارش می‌گذاشتند.

حتی مردم ما از سلاحهای شیمیایی صدام هم در امان نبودند و صدام با چراغ سبز قدرتهای بزرگ از جمله دولت امریکا کشندهترین سلاحهای شیمیایی تولید شده در غرب را بر روی مردم مظلوم ایران آزمایش کرد.

آیا فکر می‌کنید صدام و اربابانش در امریکا و برخی کشورهای دیگر چه سودی از تحمیل این هشت سال جنگ به ایران بردند؟ هیچ؛ حتی یک وجب از خاک کشور ما هم اشغال نشد. آنها به هیچ یک از خواسته‌های نامشروع خود نرسیدند.

جوانان ما با سلاح ایمان از سرزمین خود دفاع کردند و دنیا را در بهت و حیرت فرو بردند.

خواهرم؛

بله؛ ما هم مانند شما از جنگ بیزاریم. البته از جنگ دفاعی نیز نمی‌هراسیم ولی معتقدیم راههای دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز برای جلوگیری از زورگوییها و زیاده‌خواهیهای امریکا، رژیم غاصب صهیونیستی و انگلیس فراوان است. به شما اطمینان می‌دهم که ایران آغازگر هیچ جنگی نخواهد بود.

متأسفانه امروز همه جهان گرفتار برخی قدرتها و سیاستمداران غیرخودساخته، قدرت‌طلب و آتش‌افروز است. روزانه هزاران نفر انسان بی‌گناه به خاک و خون کشیده می‌شوند و مادران فراوانی به عزای فرزندان عزیزشان می‌نشینند. عطش ثروت‌اندوزی و سلطه‌طلبی این افراد سیری‌ناپذیر است و فضای تهدید و ارباب‌زندگی را بر آحاد بشر و ملت‌های گوناگون تیره و تار کرده است و متأسفانه شما تنها آسیب‌دیدگان از این خودخواهیها نیستید. همه‌روزه در فلسطین، عراق، افغانستان و جای‌جای جهان پدران و مادران فراوانی در سوگ فرزندان‌شان غمگین می‌شوند و فریادشان به آن سوی دیوار بلند قدرتهای متکی بر ثروت و سلاح نمی‌رسد.

مادر رنج‌دیده؛

امیدوارم مردم دنیا بتوانند سیاستمداران خودخواه و جنگ‌طلبی را که همه چیز را فدای منافع چند کمپانی اقتصادی و گروه‌هایی خاص می‌کنند، سر جای خودشان بنشانند. مطمئن هستم شما و مردم امریکا به دروغ‌سازیه‌ها و تبلیغات پیچیده و مسمومی که

توسط شبکهٔ تبلیغی سرمایه‌داری متجاوز و غیرانسانی منتشر می‌شود، اعتماد ندارید و دنبال حقیقت هستید و برای یافتن حقیقت تلاش می‌کنید.

حتماً می‌دانید که رسانه‌های صهیونیستی و وابسته به باندهای قدرت، بارها و بارها سخنان شخص من را نیز تحریف کرده‌اند و دربارهٔ کشور ما نیز دروغهای متعددی به شما گفته‌اند. می‌دانم در فضایی که شما در آن زندگی می‌کنید و با وجود آن همه رسانه‌های وابسته به گروه‌های خاص، یافتن حقیقت بسیار دشوار است، ولی با هوشمندی مردم آن دیار حتماً غیرممکن نیست.

من متأسفم که بگویم مردم امریکا در رابطه با جهان اطرافشان از طرف دولت امریکا در یک سانسور مطلق زندگی می‌کنند.

مطمئن هستم اگر مردم امریکا بدانند که مالیاتهای آنها صرف چه اموری می‌شود، حتی حامیان سرسخت دولت نیز در اعتراض به خیابانها خواهند ریخت.

کاری که از دست شما بر می‌آید این است که در حد توان خود فضای دروغ و فریبی را که رسانه‌های وابسته در امریکا ایجاد کرده‌اند، بشکنید و در حد وسع خود برای آشکار شدن حقیقت تلاش کنید.

مادر محترم؛

از خدا می‌خواهم جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، هیچ‌گاه تاریکی و ظلمت جنگ را بر خود نبیند و مردم دنیا بتوانند خواست و ندای صلح‌طلبی خود را به گوش جنگ‌طلبانی که در لباس دولتمرد ظاهر شده‌اند و خود را قیم دیگران می‌دانند، برسانند.

امیدوارم با خروج هرچه سریع‌تر نیروهای اشغالگر امریکایی از عراق، صلح و آرامش و برادری به منطقهٔ ما برگردد و مردم عراق نیز بتوانند در کنار خانواده و در دوستی و محبت ادامهٔ زندگی دهند و جوانان امریکایی نیز در کنار خانوادهٔ خود به کشور خود خدمت کنند. اگر به خدا تکیه کنید موفق خواهید بود.

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهوری اسلامی ایران

تهران، بیست و شش اسفند ماه سال یکهزار و سیصد و هشتاد و پنج هجری شمسی

نامهٔ رئیس جمهوری اسلامی ایران به باراک اوباما، رئیس جمهور منتخب امریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای باراک اوباما، رئیس جمهور منتخب ایالات متحده امریکا از اینکه توانستید آراء اکثریت شرکت کنندگان در انتخابات را به خود جلب کنید، تبریک می گویم. می دانید فرصتهایی که از ناحیهٔ خداوند به بندگان هدیه می شوند، زودگذرند و می توانند در مسیر کمال انسان و صلاح ملتها و یا خدای ناکرده در مسیر سقوط علیه ملتها به کار گرفته شوند. امیدوارم جناب عالی با ترجیح مصالح حقیقی مردم و انصاف و عدالت، بر تقاضاهای سیری ناپذیر اقلیتی خودخواه و ناصالح، از فرصت خدمت، حداکثر استفاده را به عمل آورید و نام نیکی از خود به جای بگذارید.

توقع عمومی این است که پاسخگویی سریع و روشن به مطالبهٔ تحول صحیح و اساسی در سیاستهای داخلی و خارجی دولت امریکا که خواست همهٔ ملت‌های جهان و ملت امریکاست، سرلوحه و محور همهٔ برنامه‌ها و اقدامات دولت آیندهٔ شما قرار گیرد.

از سویی، ملت امریکا که دارای گرایشات معنوی است، انتظار دارند که همهٔ توان و همت دولت در مسیر خدمت به مردم، اصلاح وضعیت بحرانی اقتصادی، بازیابی حیثیت، روحیه و امید آنان و رفع کامل فقر و تبعیض، احترام کامل به کرامت، امنیت و حقوق انسانی و تقویت بنیادهای خانواده که از جمله تعلیمات انبیاء الهی است، در سرزمین امریکا مصروف شود.

از سوی دیگر، ملت‌های جهان انتظار دارند که سیاستهای مبتنی بر جنگ طلبی، اشغالگری، زورگویی، فریبکاری، تحقیر ملتها و تحمیل روابط تبعیض آمیز و غیر عادلانه بر آنان و بر مناسبات جهانی که موجب انزجار همهٔ ملتها و اکثریت دولتها از حاکمان امریکا و مشوه شدن حیثیت مردم آن کشور شده است، به رفتاری مبتنی بر عدالت و احترام به حقوق

انسانها و ملتها، دوستی و عدم دخالت در امور دیگران تبدیل گردد و دایرهٔ دخالت‌های دولت امریکا به مرزهای جغرافیایی آن کشور محدود شود. به ویژه، در منطقهٔ حساس خاورمیانه انتظار آن است که رفتار ناعادلانهٔ شصت ساله به سوی استیفای کامل حقوق حقهٔ ملت‌ها به خصوص ملت‌های مظلوم فلسطین، عراق و افغانستان تغییر جهت دهد.

ملت بزرگ و تمدن‌ساز و عدالت‌جوی ایران از تحولات اساسی، عادلانه و واقعی در سیاست‌ها و رفتارها به ویژه در این منطقه استقبال می‌کند.

اگر در مسیر الهی و در جهت اجرای تعلیمات پیامبران الهی گام برداشته شود، امید می‌رود که خدای بزرگ یاری کند و خسارات سنگین گذشته تا حدودی جبران شود. از خداوند متعال برای آحاد بشریت و همهٔ ملت‌ها، سعادت، سلامت، سربلندی و رفاه و برای حاکمان و مدیران جوامع، عبرت‌آموزی از گذشتگان، اغتنام فرصت خدمت، بسط مهرورزی، رفع ظلم و برپایی عدالت و رعایت دستورات الهی مسئلت دارم.

محمود احمدی‌نژاد

رئیس جمهوری اسلامی ایران

تهران، شانزدهم آبان ماه سال یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت هجری شمسی